

Research Paper

The Islamic Republic of Iran and the Zionist Regime: Strategic Confrontation and Mutual Strategies

*Vahideh Ahmadi¹

1. Assistant Professor, Research Institute of Strategic Studies, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online

Citation: Ahmadi V. (2020). [The Islamic Republic of Iran and the Zionist Regime: Strategic Confrontation and Mutual Strategies (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 9(33), 24-53.



Received: 14 Sep 2019

Accepted: 27 Jan 2020

Key words:

Islamic Republic of Iran, Zionist Regime, Strategy, Securitization, Deterrence, Power Maximization, Hezbollah

ABSTRACT

The policy of confrontation between the Zionist regime and the Islamic Republic of Iran has always been pursued by both sides. However, in explaining the mutual strategies of the two sides, regardless of the historical course and conditions of each period, overgeneralization and even slogan dimensions have gained priority. Considering the necessity of a comprehensive cognizance of the strategies of this regime, especially the course of developments in the foreign arena such as JCPOA and the importance of using the strengths and weaknesses of these strategies in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, this paper raises the question of what strategy or strategies the Zionist regime has adopted against the Islamic Republic of Iran since the inception of the revolution, and in return, what strategies Iran has followed. The hypothesis of the paper is that the Zionist regime has so far pursued its policies in the form of four strategies, ranging from efforts to seek cooperation to active militancy. The Islamic Republic of Iran, on the other hand, has adopted two specific strategies to counter this regime.

*** Corresponding Author:****Vahideh Ahmadi, PhD.****Address:** Research Institute of Strategic Studies, Tehran, Iran.**E-mail:** ahmadi@risstudies.org

مقاله پژوهشی

جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی؛ تقابل راهبردی و راهبردهای متقابل

* وحیده احمدی^۱

۱. استادیار، گروه پایه و روش‌شناسی پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ایران.

چکیده

سیاست تقابلی رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران همواره از سوی طرفین دنبال شده است. با وجود این، در تبیین راهبردهای متقابل این دو، بدون توجه به سیر تاریخی و شرایط هر دوره، کلی‌گویی و حتی ابعاد شعاری در اولویت قرار داشته است. با توجه به ضرورت شناخت جامع‌نگرانه راهبردهای این رژیم به‌ویژه با توجه به سیر تحولات عرصه خارجی همچون برجام و استفاده از نقاط قوت و ضعف این راهبردها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مقاله حاضر این پرسش را مطرح می‌کند که از آغاز انقلاب تاکنون، رژیم صهیونیستی چه راهبرد یا راهبردهایی در قبال جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده و در مقابل، ایران چه راهبردهایی را در پیش گرفته است؟ فرضیه مقاله آن است که رژیم صهیونیستی تاکنون سیاست‌های خود را در قالب چهار راهبرد به پیش برده که از تلاش برای همکاری‌جویی تا ستیزه‌جویی فعالانه را شامل شده است و جمهوری اسلامی ایران نیز در مقابل، دو راهبرد مشخص برای مقابله با این رژیم را در پیش گرفته است.

تاریخ دریافت: ۲۳ شهریور ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۷ بهمن ۱۳۹۸

تاریخ انتشار: ۱۲ بهمن ۱۳۹۸

کلیدواژه‌ها:

جمهوری اسلامی

ایران، رژیم

صهیونیستی،

راهبرد، بازدارندگی،

امنیتی‌سازی،

پیشینه‌سازی قدرت،

حزب‌الله

* نویسنده مسئول:

دکتر وحیده احمدی

نشانی: تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، گروه پایه و روش‌شناسی.

پست الکترونیکی: ahmadi@risstudies.org

www.SID.ir

مقدمه

هر چند موضع جدید ایران با مخالفت‌های داخلی و منطقه‌ای مواجه شد، اما ساختار سیاسی وقت، بدون توجه به آن‌ها نزدیکی با اسرائیل را تداوم بخشید؛ به گونه‌ای که حتی روابط سرد اعراب و دعوت جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، برای قطع روابط کشورهای عربی با ایران نیز نتوانست در تصمیم محمدرضا پهلوی خللی ایجاد کند. با این حال در دولت مصدق، روابط ایران با رژیم اسرائیل قطع شد. دولت مصدق دفتر نمایندگی ایران در این رژیم را تعطیل کرد و رضا صفی‌نیا، نماینده فوق‌العاده و وزیر مختار دولت شاهنشاهی در اسرائیل را بازگرداند.

از آن پس، منافع مربوط به اتباع ایران در رژیم اسرائیل و حفظ منافع ایران به ترکیه واگذار شد. این وضعیت تا پایان عمر دولت مصدق استمرار داشت. بعد از سقوط دولت دکتر مصدق و انتصاب فضل‌الله زاهدی به سمت نخست‌وزیری، برقراری مجدد روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اسرائیل در دستور کار دولت زاهدی قرار گرفت (تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۰۵-۳۰۷). سرعت بهبود روابط طرفین به گونه‌ای بود که ۱۰ سال پس از موضع مخالف ایران، مناسبات طرفین به حوزه‌های اطلاعاتی و امنیتی نیز کشیده شد.

در اوایل سال ۱۹۵۷م / ۱۳۳۶ش شاه از سپهبد بختیار، نخستین رئیس ساواک، خواست تا مراتب علاقه‌مندی ایران را در خصوص همکاری اطلاعاتی با اسرائیل به مقامات آن کشور اعلام کند. به همین منظور بختیار مسافرتی به اسرائیل کرد و در آنجا ملاقاتی با ایسر هارل^۲، رئیس سازمان موساد، به عمل آورد. هارل یکی از همکاران خود به نام یعقوب

مناسبات ایران و رژیم صهیونیستی را باید با توجه نقطه عطفی به نام انقلاب اسلامی ایران، به دو دوره قبل از انقلاب و بعد از انقلاب تقسیم کرد که با فراز و نشیب‌های سیاسی همراه بوده است. اولین مواجهه ایران با رژیم صهیونیستی مربوط به طرح تقسیم فلسطین در سال ۱۳۲۶ بود. در این سال کمیسیون ویژه مسئله فلسطین در سازمان ملل متحد تشکیل شد تا موضوع فلسطین و اسرائیل را مورد بررسی قرار دهد. نخستین موضع‌گیری ایران در قبال فلسطین در همین کمیسیون روی داد که به موجب آن سفیر کبیر ایران در آمریکا و نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد با طرح تقسیم فلسطین مخالفت کرد.

از دیدگاه ایران، تقسیم فلسطین به معنای آتش‌افروزی در خاورمیانه بود و می‌بایست به هر طریق ممکن از عملی شدن این طرح جلوگیری و یک دولت ائتلافی عربی - یهودی ایجاد می‌شد. با وجود موضع مخالف ایران در مقابل رژیم صهیونیستی در سازمان ملل، اختلاف با عرب‌ها به‌ویژه با جمال عبدالناصر و بلندپروازی‌های محمدرضا پهلوی در کنار امتیازات اقتصادی، شاه را به سمت تغییر سیاست‌های ضداسرائیلی پیش برد. وی تصمیم گرفت که با بهانه «حفظ منافع ایرانیان مقیم فلسطین و لزوم مطالعه از نزدیک امور جاریه دولت جدیدالتأسیس اسرائیل»، شناسایی بالفعل این رژیم را در دستور کار قرار دهد. بدین ترتیب در روزهای زمستان ۱۳۲۸، محمد ساعد مراغه‌ای، نخست‌وزیر ایران، با انتشار بیانیه‌ای شناسایی دوفاکتوی اسرائیل را اعلام کرد.^۱

اسرائیل به روایت اسناد نخست وزیری (۱۳۲۷ - ۱۳۵۷)»، پژوهش حقوق و سیاست، تهران، شماره ۶، ص ۱۸.
2. Isser Harel

۱. ر.ک به: احمد گل محمدی (۱۳۸۶)، «روابط ایران و

بودند. درنهایت، افسران ساواک معتقد بودند که مهارت‌های فنی‌ای که موساد در اختیار آن‌ها خواهد گذاشت، در کار آن‌ها در برابر مخالفان داخلی و خارجی شاه بسیار ارزشمندتر از هر سازمان اطلاعاتی دیگر است (ولایتی، ۱۳۸۰: ۲۰۴).

روابط نزدیک ایران و رژیم صهیونیستی با وقوع انقلاب اسلامی وارد یکی دیگر از مراحل مهم خود شد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، حمایت از مردم فلسطین و مبارزه جدی و مستمر علیه صهیونیسم از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در نظام جمهوری اسلامی برخوردار شد. رژیم صهیونیستی مهم‌ترین «دگر» هویتی جمهوری اسلامی بود که نه‌تنها در مقابل ایران بلکه در دیدگاه ایران انقلابی، در مقابل تمام «ملل مسلمان و مستضعف جهان» و «حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش»، قرار داشت.

بر همین اساس رژیم صهیونیستی مهم‌ترین دشمن جمهوری اسلامی ایران از آغاز انقلاب تاکنون بوده و سیاست تقابلی با این رژیم همواره از سوی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران دنبال شده است. در مقابل، رژیم اسرائیل نیز از دشمنی با جمهوری اسلامی از آغاز تاکنون فروگذار نکرده و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آن همواره یکی از موانع ایران در دستیابی به اهداف خود بوده است. این مسئله در سال‌های اخیر و با تحولاتی همچون روند مذاکرات هسته‌ای و نیز حضور نیروهای ایرانی در خاک سوریه برای مبارزه با داعش، نمود آشکار و ملموسی به خود گرفته است.

با توجه به اینکه تاکنون راهبردهای متقابل رژیم اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران در قبال یکدیگر تبیین نشده است، مقاله حاضر این پرسش را مطرح می‌کند که از آغاز انقلاب تاکنون، رژیم صهیونیستی

کاروز^۳ را که رئیس ایستگاه موساد در پاریس بود، به بختیار معرفی کرد. از آن پس تمامی ارتباطات با ایران به وسیله کاروز انجام می‌گرفت. او پس از ملاقات‌های متعدد با بختیار به تهران دعوت شد و درنهایت مرادوات مزبور به افتتاح یک مؤسسه بازرگانی وابسته در تهران در سال ۱۹۵۸ انجامید که سال‌ها تمامی فعالیت‌های اسرائیل در ایران را رسماً پوشش می‌داد.^۴

تمایل شاه برای گسترش روابط امنیتی و اطلاعاتی با رژیم اسرائیل، به چند دلیل عمده صورت گرفت؛ نخست اینکه شاه و مشاوران او به این نتیجه رسیدند که به منظور حفظ روابط ایران و اسرائیل، سرویس‌های اطلاعاتی هر دو کشور باید این روابط را اداره و کنترل کنند. به عقیده شاه روابط آشکار دیپلماتیک بین دو کشور به نفع ایران نبود و بهترین راه برای حفظ و اطمینان از روابط پنهانی این بود که وظیفه انجام ارتباط با اسرائیل به ساواک واگذار شود. دوم، شاه و افسران ساواک بر این عقیده بودند که سازمان سیا تمرکز خود را بر رقابت با کا.گ.ب قرار داده و شکل‌گیری و فعالیت آن سازمان در زمینه جنگ سرد بوده است؛ بنابراین چیزی که کارآموزان ساواک نیاز داشتند و شاه نیز آن را تأیید می‌کرد، فعالیت در سطح منطقه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات و عملیات ضدجاسوسی بود؛ به‌ویژه با توجه به تهدیدات انقلابیون عرب نسبت به رژیم شاه، موساد با ارائه تجربیات وسیعش در خاورمیانه، کامل‌ترین و بهترین همکار برای ساواک محسوب می‌شد.

سوم اینکه چند نفر از رؤسای بخش‌های مختلف ساواک از آموزش کادر ساواک به وسیله سیا ناراضی

3. Yaakov Karuz

۴. ر.ک به: مرتضی قانون (۱۳۸۱)، دیپلماسی پنهان، تهران: نشر طبرستان، ص ۲۷۲.

ایران را می‌توان از طریق مفاهیم زیر تبیین کرد.

۱-۱. اتحاد پیرامونی^۵

یکی از راهبردهای مهم رژیم اسرائیل در حوزه سیاست خارجی، اتحاد پیرامونی است که بر اساس آن، این رژیم می‌باید روابط استراتژیک خود با کشورهای مسلمان غیرعرب در خاورمیانه را گسترش دهد. این راهبرد توسط بن‌گوریون^۶، اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، بسط پیدا کرد و در رابطه با ترکیه، ایران قبل از انقلاب اسلامی و ا تیوپی به‌شدت دنبال شد. بر اساس این دکترین بود که از دهه ۱۹۵۰ به بعد ترکیه و ایران، اولین کشورهای مسلمانی بودند که روابط دیپلماتیک با اسرائیل را آغاز کردند؛ به گونه‌ای که اسرائیل به مدت طولانی از همکاری‌های گسترده نظامی و صنعتی با این کشورها بهره می‌برد. (Teller, 2014: 100)

در چارچوب اتحاد پیرامونی، روابط قوی دوجانبه با کشورهای مهم غیرعرب، خطر پان‌عرب‌یسم که حول موضوع فلسطین و اتحاد عرب‌ها شکل گرفته بود را خنثی می‌کرد. این رژیم راهبرد پیش‌گفته را در چهار دهه اول تأسیس خود، یعنی تا فروپاشی شوروی سابق به‌خوبی پیش برد و از منافع آن سود جست (Azfar Mohammad, 2017).

۱-۲. بازدارندگی

بازدارندگی درصدد جلوگیری از اقدام احتمالی دشمن و تهدیدکردن دشمن به اقدام تلافی‌جویانه در قبال کشور مهاجم است. تهدید مقابل‌به‌مثل ضد مردم دولت رقیب یا زیرساخت‌های صنعتی آن صورت می‌گیرد. بازدارندگی تنها از طریق ایجاد مانع

چه راهبرد یا راهبردهایی در قبال جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده و در مقابل، ایران چه راهبردهایی را در پیش گرفته است؟ یافته‌های این پژوهش ضمن تبیین راهبردهای طرفین، نقاط قوت و ضعف آن‌ها را نیز بازنمایی می‌کند که علاوه بر غنی‌سازی ادبیات مرتبط، دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای را برای حوزه سیاست‌گذاری راهبردی دربر خواهد داشت.

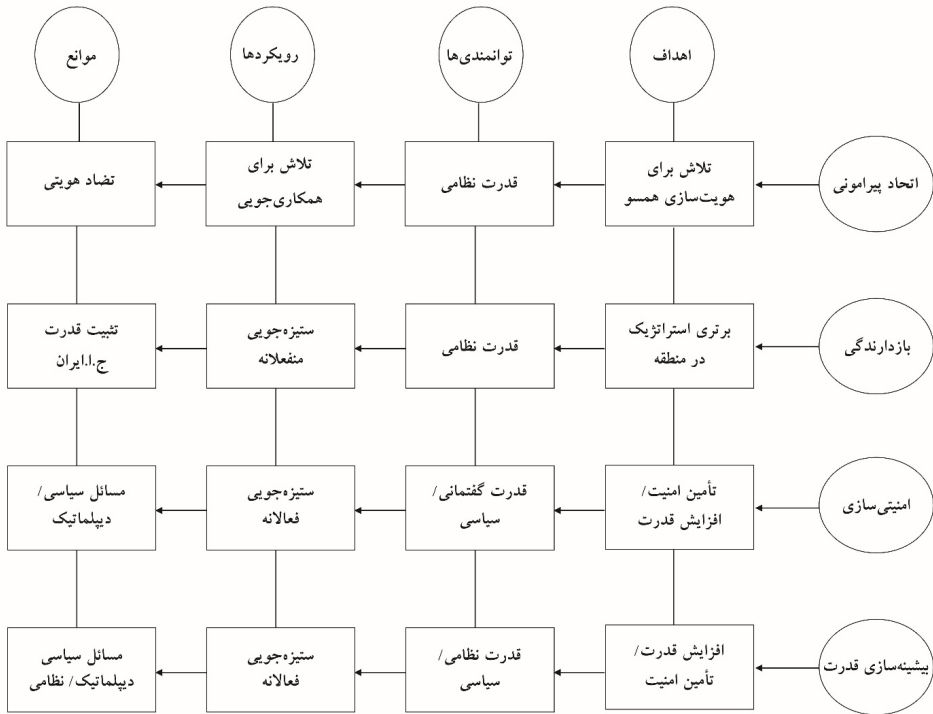
۱. ادبیات موضوع

به رغم اینکه راهبرد در لغت به معنای هنر فرماندهی است و این اصطلاح خاستگاه نظامی دارد، اما به جنگ و هدایت عملیات نظامی محدود نمی‌شود. راهبرد نه محدود به ابزار نظامی می‌شود و نه صرفاً برای تحقق اهداف نظامی کاربرد دارد، بلکه شامل تمامی ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی برای تحقق اهداف در حوزه‌های مختلف است؛ بنابراین استراتژی هم در دوران جنگ و هم در دوران صلح کاربرد دارد و حتی به تعبیری «استراتژی بیشتر درباره صلح است تا جنگ». (خلیلی، ۱۳۸۶: ۴۳۴)

بر این مبنا می‌توان گفت راهبرد از چهار عنصر اهداف و منافع بازیگران شامل تعمیق هویت، افزایش قدرت، تولید ثروت و تأمین امنیت؛ قدرت و توانمندی بازیگران شامل قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و قدرت گفتمانی؛ مسائل و موانع شامل تضادها و تعارض‌ها، تعرفه‌ها و موانع تجاری، مسائل سیاسی دیپلماتیک و مسائل هویتی ایدئولوژیک و نگرش و رویکردها شامل ستیزه‌جویی، رقابتی، همکاری‌جویانه و جمع‌گرایانه تشکیل می‌شود. از این رو برای تبیین راهبرد بازیگران باید بر چهار عنصر پیش‌گفته، تأمل شود. از سوی دیگر راهبرد رژیم صهیونیستی در قبال جمهوری اسلامی

5. Alliance of the periphery

6. David Ben-Gurion



تصویر ۱. مدل مفهومی راهبرد رژیم صهیونیستی در قبال جمهوری اسلامی ایران

فیزیکی در مقابل اقدام نظامی موجب ایجاد و تأمین امنیت نمی‌شود، بلکه با تهدید به انجام واکنشی که برای کشور متخاصم بسیار پرهزینه است، باعث به وجود آمدن امنیت می‌شود. بازدارندگی تنها زمانی مؤثر خواهد بود که دولت تهدیدشونده از توانایی اقدام تلافی‌جویانه و در عین حال قاطع برخوردار باشد و بتواند دشمن خود را قانع کند چنانچه مورد حمله قرار بگیرد، می‌تواند واکنش بسیار شدیدی از خود نشان دهد (کالینز، ۱۳۹۸: ۲۲۵-۲۲۶).

۱-۳. امنیتی‌سازی

بوزان، ویور و دی‌ویلده، این استدلال را مطرح می‌کنند

که «امنیتی‌سازی» اقدامی است که سیاست‌را از قواعد تثبیت‌شده بازی فراتر می‌برد و موضوع را در قالب خاصی از سیاست سازمان‌دهی می‌کند و جایگاه آن را فراتر از امر سیاست قرار می‌دهد. کنش امنیتی‌سازی به طبقه‌بندی پذیرفته‌شده پدیده‌ها، افراد یا موجودیت‌های خاص به عنوان تهدیدهای وجودی اشاره دارد که نیازمند به‌کارگیری تدابیر اضطراری است. کنشگر امنیتی‌ساز یک موضوع به‌تازگی سیاسی‌شده را به عنوان یک تهدید وجودی برای یک مرجع اشاره مطرح می‌کند. کنشگر امنیتی‌ساز در واکنش به سرشت وجودی تهدید، اعلام می‌کند که باید از تمهید و تدبیرهای فوق‌العاده‌ای بهره بگیرد، تمهیدهایی که فراتر از هنجارهای عادی حوزه

سیاسی است (کالینز، ۱۳۹۸: ۱۹۲).

۱-۴. پیشینه‌سازی قدرت

جان میرشایمر^۷ در چارچوب «واقع‌گرایی تهاجمی» بر این اعتقاد است که دولت‌ها از آن رو که به توانمندی سایر دولت‌ها متمرکز می‌شوند، برای کسب قدرت به رقابت می‌پردازند و تلاش می‌کنند تا حد ممکن قدرت خود را افزایش دهند. هر دولت هر اندازه که قدرتمند باشد، به همان میزان نیز می‌تواند از موجودیت خود در مقابل حمله‌های سایر دولت‌ها محافظت کند. از این رو تلاش می‌کند به یک قدرت غالب و هژمونیک تبدیل شده باشد. در این قالب، پیشینه‌سازی قدرت یک ابزار و نه هدف است.

دولت‌ها برای تضمین بقایشان، به پیشینه‌سازی قدرت دست می‌زنند (کالینز، ۱۳۹۸: ۴۲). در چارچوب این مفهوم، کشورها به صورت بی‌رحمانه‌ای به دنبال فرصت هستند تا از یکدیگر سود برده و امتیاز بگیرند. آن‌ها مترصد فرصت‌هایی هستند تا قدرت خود را در برابر دیگر رقبا افزایش دهند. (کریمی‌فرد و روحی دهینه، ۱۳۹۳: ۵۵۴) هدف برای رسیدن به امنیت بیشتر، افزایش قدرت و مقهور کردن دیگر دولت‌هایی است که ممکن است آسایش آن‌ها را تهدید کنند. در این دیدگاه، افزایش قدرت برای تأمین امنیت و بقا نیست، بلکه افزایش قدرت تا حدی است که دولت مدنظر به قدرتی هژمون‌دار تبدیل شود و به طور کامل نسبت به بقیه دولت‌ها برتری یابد (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۵).

با توجه به عناصر راهبرد و مفاهیم مذکور می‌توان راهبرد رژیم صهیونیستی در قبال ایران را در مدل مفهومی‌ای که در تصویر شماره ۱ آمده است، نشان داد.

7. John J. Mearsheimer

۲. اهداف و رویکرد رژیم صهیونیستی در قبال ایران

۱-۲. مرحله نخست، تلاش برای احیای اتحاد پیرامونی در قبال ایران پس از انقلاب

مرحله نخست به سال‌های اول انقلاب و جنگ ایران و عراق، بازمی‌گردد؛ دوره‌ای که رژیم صهیونیستی تلاش بسیاری را به کار بست تا در قالب استراتژی اتحاد پیرامونی و اصل «دشمن دشمن ما، دوست ماست»، با جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای غیرعرب‌زبان، رابطه‌ای مسالمت‌آمیز برقرار کند؛ همان‌گونه که موفق شده بود این رابطه را با حکومت محمدرضا پهلوی ایجاد کند.

این رژیم به رغم اینکه رهبران انقلاب اسلامی، به‌روشنی اعلام کردند که اسرائیل را به رسمیت نشناخته و از حق فلسطینی‌ها برای بازپس‌گیری سرزمین خود حمایت خواهند کرد، امیدوار بود که بتواند روابط گذشته را احیا کند. امیدواری صهیونیست‌ها از آنجا نشئت می‌گرفت که ایران هویتی بود که با زبان، تاریخ و مذهب متفاوت با سایر کشورهای عربی، تعریف می‌شد و از لحاظ تاریخی برخلاف عرب‌ها توانسته بود روابط مسالمت‌آمیزی را با رژیم اسرائیل برقرار کند.

از این رو تجربه ایران انقلابی و اسلامی برای این رژیم همچنان مبهم می‌نمود؛ به گونه‌ای که این باور را برای آن‌ها ایجاد کرده بود که گفتمان خصومت‌آمیز رهبران انقلاب علیه این رژیم که با رویدادهایی همچون بسته‌شدن سفارت اسرائیل و گشایش سفارت فلسطین و دعوت از یاسر عرفات همراه شد، رویدادهایی زودگذر و مبتنی بر هیجانات انقلابی بوده و باید برای بازگشت روابط به قبل از انقلاب و اتحاد در مقابل کشورهای عربی تلاش کرد.

است (Abadi, 2003: 93). نیویورک تایمز و مجله تایمز دیگر نشریاتی بودند که این ادعاها را مطرح کردند، ضمن آنکه یک مجله فرانسوی نیز ادعا کرد که رونوشتی از یک قرارداد به ارزش ۱۳۵ میلیون دلار درباره فروش موشک و گلوله توپ به ایران را در اختیار دارد. این اخبار گاه و بی‌گاه با تناقض‌های بسیاری در جریان بود.

در تابستان ۱۹۸۴، یکی از منابع انگلیسی ادعا کرد که معامله تسلیحاتی ایران و اسرائیل به انتها رسیده است؛ زیرا نیازهای ایران در این زمینه برآورد شده است. این در حالی بود که سایر منابع همچنان بر تداوم معاملات تسلیحات بین این دو اصرار می‌ورزیدند. در سال ۱۹۸۵ برخی رسانه‌ها در واشنگتن، اعلام کردند که اسرائیل یک کشتی حامل سلاح به ایران ارسال کرده است. نیویورک تایمز در سال ۱۹۸۶، مطلب دیگری را منتشر و در آن ادعا کرد که اسرائیل در حال پیشبرد معامله‌ای هنگفت و چندمیلیارد دلاری با ایران برای فروش موشک‌های پیشرفته سطح به سطح^{۱۰} است. در تابستان همان سال هفته‌نامه آلمانی استرن، ادعا کرد که اسرائیل معامله تسلیحاتی به ارزش ۸۲ میلیون دلار را با ایران بسته که به دلیل دستگیری معامله‌گران و دلالت آن این معامله ناتمام گذاشته شده است (Abadi, 2003: 95).

شایعات این چنینی که در رسانه‌ها انعکاس می‌یافت، یکی از بسترهایی بود که رژیم صهیونیستی تلاش داشت از طریق آن‌ها، روابط خود با ایران را برای کشورهای عربی منطقه و نیز برای جمهوری اسلامی، عادی‌سازی کند و از این راه، ایران را به تغییر رویکرد سوق دهد. این راهبرد با مواضع محکم

اوج این باور زمانی بود که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آغاز شد. در این بازه زمانی، اسرائیل اطمینان یافته بود که استراتژی اتحاد پیرامونی، تنها مسیر دستیابی به توافق با جمهوری اسلامی است.

جوزف آلفر^۸ در مقاله «اسرائیل و جنگ ایران و عراق» می‌نویسد: «از آنجایی که سیر روابط ایران و اسرائیل فقط از دریچه دکترین پیرامونی قابل نگرش و فهم است؛ باید برداشت اصلی اسرائیل نسبت به خاورمیانه را مورد تجزیه و تحلیل مجدد قرار داد. تنها با فهم دکترین اتحاد پیرامونی می‌توان حمایت اولیه اسرائیل از ایران و سپس توقف آن را ادراک کرد» (Karsh, 1989: 155). شایعات مختلفی که در متون خارجی^۹ در مورد فروش اسلحه و تجهیزات نظامی از سوی رژیم صهیونیستی به ایران، گفته می‌شود، انعکاسی از تمایل گسترده و عمیق دستگاه امنیتی این رژیم برای نزدیکی به جمهوری اسلامی به شمار می‌آید.

جالب آنکه در همان بازه زمانی که ایران، تشکیلات خودگردان فلسطین را در مورد پذیرش راه‌حل دودولتی مورد سرزنش و انتقاد قرار داد، خبر مربوط به فروش اسلحه از سوی اسرائیل به ایران در رسانه‌ها منتشر شد و در این باره ادعا شد که اسرائیل با مجوز واشنگتن این اقدام را انجام داده است (Abadi, 2003: 93).

بر این مینا در تابستان ۱۹۸۱، هفته‌نامه قبرس ادعا کرد که از هواپیمایی لارناکا برای انتقال سلاح اسرائیلی به ایران استفاده شده است. گزارش دیگر در این زمینه را ساندی تایمز منتشر کرد و مدعی شد ۳۶۰ تن قطعات یدکی تانک و مهمات اسرائیلی از طریق هواپیمای بوئینگ آیرس به ایران منتقل شده

8. Joseph Alfer

۹. ر. ک به: Bergman 2008, Parsi 2007, Scott 1987, Phythian 1996, Bulloch & Morris, 1989

10. Surface To Surface

روابط ایران و آمریکا، به صورت روزافزونی در حال تیره‌تر شدن بود. در تابستان و پایان سال ۱۹۸۷ مقامات آمریکایی هشدارهای آشکاری به اسرائیل دادند که حمایت از ایران را متوقف کند. آمریکا از اسرائیل خواست تا با سیاست‌های آن کشور در خلیج فارس مقابله نکند. این در حالی بود که اسرائیل باید نهایت تلاش خود را به کار می‌بست تا روابط استراتژیکش با آمریکا که به دلیل مسئله پولارد^{۱۱}، رابطه اسرائیل با آفریقای جنوبی و ماجرای ایران - کنترا متزلزل شده بود، تخریب نشود.

شیمون پرز، وزیر خارجه اسرائیل، نیز همراه با شامیر نخست‌وزیر در نشست کابینه، خاطر نشان ساختند که «اسرائیل در مناقشه ایران و عراق دخالت ندارد و هیچ علاقه‌ای هم به دخالت در آن برای خود نمی‌بیند» (Karsh, 1989: 161-162). با هشدارهای آمریکا به دستگاه امنیتی رژیم اسرائیل برای تغییر رویکرد، این رژیم مرحله نخست استراتژی خود در قبال جمهوری اسلامی مبتنی بر تلاش برای نزدیکی در چارچوب اتحاد پیرامونی را تعلیق کرد؛ استراتژی‌ای که پیش از این به دلیل موضع راسخ جمهوری اسلامی ایران به شکست انجامیده بود.

۲-۲. مرحله دوم، نبود راهبرد روشن و همسانی ایران با سایر کشورهای عربی

به نظر می‌رسد پس از جنگ ایران و عراق و در دوره‌ای که بیشترین تلاش داخلی مقامات جمهوری اسلامی، برای سامان دهی به اوضاع اقتصادی و نیز تنش‌زدایی منطقه‌ای با کشورهای عربی همچون عربستان و نیز از سرگیری روابط فرامنطقه‌ای در جریان بود، رویکرد رژیم صهیونیستی در قبال ایران

حضرت امام خمینی (ره) و سایر مقامات عالی‌رتبه انقلاب، مواجه شد. ایشان وقتی متوجه ورود اسرائیل به بازار خرید اسلحه ایران شدند، فرمودند: «اسرائیل دست به دریا هم که بزند، دریا نجس می‌شود» (صحیفه نور، جلد ۱۶: ۱۷۳).

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و نماینده حضرت امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع که در سال‌های آخر جنگ فرماندهی کل قوا را نیز به عهده گرفت، اظهارات دیگری را در مورد مواجهه جمهوری اسلامی ایران در قبال محموله‌های سلاح که اسرائیل تلاش داشت، به ایران انتقال دهد، مطرح کرد: «... اینها ۴-۵ سال است که زحمت می‌کشند تا بگویند ایران از اسرائیل اسلحه خریده است... یک بار فهمیدیم که یک جریان اسرائیلی در این قضایا دخالت دارد، جلوی تخلیه سلاح‌ها را گرفتیم و دستور دادیم که آن را برگردانند» (آرشیو روزنامه کیهان هوایی، ۱۳۶۶/۰۱/۱۷). این اظهارات در سال ۱۳۸۲ با صراحت بیشتری تکرار شد: «هک فارلین که به ایران آمد، بنا بود مقدار قابل توجهی سلاح هم بیاورد، اما چند کانتینر قطعات مورد نیاز ما را با هواپیما آوردند. تعدادی موشک هاگ اسرائیلی هم آوردند که مدت‌ها در فرودگاه ماند و آن‌ها مجبور شدند پس بگیرند» (آرشیو روزنامه همشهری ۱۳۸۲/۷/۰۱).

به رغم شکست استراتژی این رژیم در این مرحله به دلیل روی‌گردانی ایران و موضع آشتی‌ناپذیر و محکم رهبران انقلاب اسلامی، به نظر می‌رسد مخالفت آمریکا با این رویکرد نیز در این زمینه تأثیرگذار بود. آمریکا گرایش‌های دستگاه امنیتی اسرائیل برای نزدیکی به ایران با هدف پیشبرد اتحاد پیرامونی و بهبود موقعیت این رژیم در منطقه را مقبول نمی‌دانست؛ به‌ویژه آنکه

۱۱. جاسوس یهودی اهل آمریکا

سرزمینی نام برده شده بود. همچنین در نقشه‌ای که در سال ۲۰۰۸ در مجله آتلانتیک منتشر شد، ایران نیز به همراه کشورهای دیگری مانند لبنان، سوریه، ترکیه و مصر در این طرح جا گرفته بودند (Michel Chossudovsky, Globalresearch: 5324815). از این رو می‌توان گفت تا سال ۲۰۰۶، که جنگ حزب‌الله لبنان با اسرائیل در گرفت و ایران به عنوان یکی از حامیان اصلی مقاومت شناخته شد، طرح منظم، منسجم و منفکی در قبال ایران از سوی صهیونیست‌ها پایه‌ریزی نشد.

۲-۳. مرحله سوم؛ امنیتی‌سازی

با تضعیف هر چه بیشتر دشمنان ایران یعنی صدام حسین و طالبان و در مقابل گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران و روابط حسنه و حمایت‌گرانه از گروه‌های فلسطینی مبارز همچون حماس و نیز حزب‌الله، که اوج آن در جنگ ۲۰۰۶ لبنان و نیز جنگ ۲۰۰۸ نوار غزه بود، ایران به عنوان یکی از کشورهای دشمن اسرائیل، مورد توجه این رژیم قرار گرفت (Kaye, Na-der, Roshan, 2011: 17).

جنگ سال ۲۰۰۶، نه تنها جنگ حزب‌الله با اسرائیل بلکه به زعم صهیونیست‌ها جنگ ایران با این رژیم بود و از این لحاظ با جنگ‌های قبلی تفاوت داشت. قدرت لجستیکی و تاکتیکی حزب‌الله در این جنگ که نمادی از حضور آشکار ایران و دستورالعمل‌های آن تلقی شد، برای اسرائیل غافلگیرکننده بود. ضمن اینکه حماس نیز در این جنگ به عنوان یکی از نیروهای کاملاً وفادار به ایران خود را نشان داد. اخبار مبنی بر آموزش نیروهای حماس، کمک‌های مالی به اخوان المسلمین و انتقال مقادیر قابل توجه سلاح از سینا به نوار غزه، حاکی از سهم روزافزون ایران در تقابل با این رژیم بود. به ادعای خود اسرائیلی‌ها، ایران

مجزا از رویکرد آن به سایر کشورهای عربی که به منزله دشمنان محیطی این رژیم بودند، نبوده است. این رژیم در دوره پس از جنگ، ایران را به عنوان چالش اصلی خود به شمار نمی‌آورد و بیشتر در قالب طرح‌هایی همچون «بینون»^{۱۲} و «اسرائیل بزرگ»^{۱۳} و تا حدودی بازدارندگی^{۱۴}، مواجهه با تهدیدات محیط پیرامونی خود اعم از کشورهای عربی و دشمن تازه‌متولدشده‌اش یعنی جمهوری اسلامی ایران را دنبال می‌کرد. این طرح‌ها، با هدف برتری استراتژیک اسرائیل در منطقه، تضعیف‌شدن کشورهای عربی به عنوان دشمنان این رژیم را از طرقی همچون کوچک کردن و تقسیم سرزمینی آن‌ها دنبال می‌کرد (Oded Yinon, scribd: 155650153).

یکی از نمونه‌های بارزی که برای این طرح، عنوان می‌شود، عراق بود. به‌ویژه در دوره جنگ عراق با ایران، تقسیم این کشور به سه دولت شیعی، سنی و کردی به صورت جدی مورد توجه تحلیل‌گران اسرائیلی قرار داشت. از این رو «اسرائیل بزرگ» با هدف بقای این رژیم، به زعم استراتژیست‌های صهیونیست، باید تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای نیرومند می‌شد و انحلال و تقسیم کشورهای عربی را دنبال می‌کرد. در این طرح از ایران نیز به عنوان کشوری که «تیمی از آن فارس و نیم دیگری ترک هستند»، در کنار کشورهای عربی برای تقسیم

12. Yinon plan

13. Greater Israel

۱۴. با اینکه اسرائیل از جنگ ۱۹۷۳ به بعد، ظرفیت نظامی خود را برای بازدارندگی کشورهای عربی از هر گونه حمله به اسرائیل به صورت گسترده‌ای افزایش داد، اما در دوره موردبحث به دلیل اینکه، حمله نظامی از سوی ایران به این رژیم پیش‌بینی نمی‌شد، این راهبرد برای کشورمان در نظر گرفته نشده بود؛ فقط تقویت هرچه بیشتر قوای نظامی در قبال کشورهای عربی ناخودآگاه، بازدارندگی در مقابل ایران را نیز نتیجه می‌داد.

در نتیجه این روند، با توجه به حساسیتی که در قبال فعالیت‌های هسته‌ای ایران به وجود آمده بود، تلاش برای امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران از طریق ایران‌هراسی مبتنی بر تعریف جمهوری اسلامی در قالب هویتی که به دنبال نابودی یهودیان و امنیت جهانی است، در دستور کار قرار گرفت. این رویکرد به تدریج صورت منسجمی پیدا کرد و از سال‌های ۲۰۱۰ به بعد، توانست در قالب راهبرد غالب صهیونیست‌ها علیه ایران، در اقدامات مختلف این رژیم نمود یابد.

بر مبنای اقدامات مختلف در قالب این راهبرد، به تدریج مواضع سایر کشورها و نهادها^{۱۵} با موضع وزارت خارجه اسرائیل که اعلام کرد «ترکیب ایدئولوژی افراطی، درک غلط از واقعیت و برخورداری از سلاح‌های هسته‌ای، ترکیبی است که هیچ‌کس در جامعه بین‌المللی حاضر به پذیرش آن نیست»، هماهنگ شد (Karl Vick, washington-post: 2005.12.14).

بر اساس راهبرد مذکور، تأکید اسرائیل بر دست‌یابی ایران به بمب هسته‌ای، باید احساس تهدید را در میان کشورهای اروپایی، آمریکا و حتی همسایگان ایران ایجاد می‌کرد؛ به گونه‌ای که در پی آن تحریم‌های اقتصادی و فلج کردن شریان‌های مالی، اخراج از دایره دیپلماسی بین‌المللی و در نهایت حمله نظامی به ایران از سوی بازیگران مهم بین‌المللی با شرکت و هدایت اسرائیل در دستور کار قرار می‌گرفت.

رژیم صهیونیستی از پیشبرد این راهبرد سه هدف عمده را دنبال می‌کرد: نخست؛ تقابل ایران -

پیروز جنگ در سال ۲۰۰۶ بود؛ زیرا حزب‌الله را به عنوان یکی از حامیان اصلی خود در مقابل اسرائیل بر کرسی نشانند، در حالی که اسرائیل نتوانست حماس را از نوار غزه، بیرون براند (Glick, B. Caroline jpost: 2016.06.11). اگر تا پیش از این، کشورهای عربی به واسطه جنگ و به رسمیت نشناختن اسرائیل، دشمنان اصلی این رژیم محسوب می‌شدند، از جنگ ۲۰۰۶ به بعد، ایران جای آن‌ها را گرفت و در صدر دشمنان این رژیم در منطقه قرار گرفت.

در این میان روی کار آمدن دولت نهم و تأکید رئیس‌جمهور وقت ایران بر مسائلی همچون حذف رژیم صهیونیستی از نقشه جهان و نفی هولوکاست و «افسانه» خواندن آن، با حساسیت‌هایی که بر موضوع هسته‌ای ایران ایجاد شده بود، منطبق و دست صهیونیست‌ها را برای پیشبرد امنیتی‌سازی موضوع هسته‌ای ایران، بازتر گذاشت.

با اینکه دشمنی و نابودی رژیم صهیونیستی از ابتدای انقلاب همواره از سوی بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری مورد تأکید بود، اما سبک و سیاقی که گفتمان آن‌ها در این رابطه داشت، از آسیب‌پذیری‌های گفتمان ضدیهودی رئیس‌جمهور وقت، میرا بود. ضمن اینکه تا آن دوره، تقابل با رژیم صهیونیستی به عنوان سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی، در تقویت گروه‌های مبارز فلسطینی و نیز حزب‌الله عملیاتی می‌شد و با هوشمندی از پیامدهایی همچون فرصت‌دهی به این رژیم برای مظلوم‌نمایی مقامات صهیونیست و در نتیجه اجماع علیه ایران، فاصله داشت. این در حالی بود که گفتمان دولت وقت، از همه‌جانبه‌نگری و جامعیت گفتمان حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در چگونگی مقابله با رژیم صهیونیستی به دور بود.

۱۵. همچون حوزه مانوئل باروسو، رئیس وقت کمیسیون اروپا و یا فرانک والتر اشتان‌مایر، وزیر خارجه آلمان.

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سخنرانی خود در سازمان ملل در سال ۲۰۱۲ «تهدید ایران هسته‌ای را فقط برای اسرائیل ندانست و آن را تهدیدی جهانی خواند که می‌تواند امنیت جهان را با خشونت و نفرتی که می‌گستراند، نابود کند. وی ایران و القاعده را یکی دانست و گفت دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای مانند آن است که القاعده به این سلاح دست پیدا کرده باشد» (Washingtonpost, 2012.09.27).

بستر تصویرسازی ایران در قالب «تهدید برتر جهانی»، برای اسرائیل به اندازه‌ای بود که هرگونه موضع ایران در مقابل مسائل مختلف، حتی اظهارات داخلی مسئولان سطوح میانی نظام نیز دستاویز این رژیم برای هشدار در مورد امنیت بین‌المللی و تلاش برای افزایش فشارها بر کشورمان می‌شد. آنچه نقطه قوت اسرائیل را در این فضا ایجاد کرده بود، استقبال و پذیرش بازیگران دیگر، یعنی آمریکا و اروپایی‌ها از این ادعاها بود.

در گام دوم اسرائیل تلاش کرد رویکردهای بین‌المللی را به سمت اجماع در مورد سه مرحله موردنظر خود یعنی تحریم، منزوی‌سازی و حمله نظامی علیه ایران پیش برد و به عبارتی یک رویکرد واحد را بر اساس مقاصد خود، در بستر بین‌الملل ایجاد و آن را با ضمانت‌های اجرایی مختلف، تثبیت کند. از این رو لابی سازمان‌های صهیونیستی در آمریکا و اروپا با سیاست‌گذاران، اعضای پارلمان و مقامات ارشد کشورها در کنار دیدارها و فشارهای دیپلماتیک مقامات اسرائیلی بر کشورهای دیگر که در دیدارهای دو و چندگانه نمود داشت، موجب تصویب بسیاری از تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و انزوای دیپلماتیک شد. تحریم‌های عمده اروپا علیه ایران و نیز تحریم‌های بخش انرژی و بانک مرکزی، در پی این هدف

اسرائیل به تقابل نظام بین‌الملل با ایران تبدیل شود؛ به گونه‌ای که هزینه مقابله با ایران از دوش اسرائیل برداشته و میان سایر بازیگران تقسیم شود. دوم؛ تمرکز ایران از مبارزه با اسرائیل خارج شود و مسائلی همچون چگونگی جبران هزینه‌های اقتصادی و سیاسی جای آن را بگیرد. سوم؛ این شرایط بستری را مهیا می‌کرد که هم‌گرایی بیشتری میان اسرائیل با بازیگران فضای بین‌المللی به وجود آید؛ مسئله‌ای که جایگاه قابل ملاحظه‌ای در سیاست خارجی این رژیم دارد. اسرائیل برای این منظور دو اقدام مبنی بر تصویرسازی و اجماع‌سازی را در دستور کار قرار داد.

رژیم صهیونیستی در گام اول تلاش کرد جمهوری اسلامی ایران را بخشی از تهدید امنیت نظام بین‌الملل معرفی کند. در این قالب، جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک ساختار حامی تروریسم و خشونت، ضد آزادی و حقوق بشر، معرفی و به صورت گسترده اعلام شد که ایران به دنبال بمب هسته‌ای، به عنوان مهم‌ترین هدف خود به منظور نابودی ملت‌های دیگر به‌ویژه یهودیان است. هرچند در دهه‌های پیش نیز اصول انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران خارج از ماهیت اصلی خود معرفی می‌شد، اما آنچه اسرائیل در این مرحله توانست به عنوان گزینه‌ای جدید بر ساخته کند و آن را مقبول جلوه دهد، ایجاد فضایی از تهدید مستقیم، قریب‌الوقوع و جبران‌ناپذیر در قبال امنیت بین‌المللی بود؛ به عبارت بهتر اسرائیل در این مرحله برای نخستین بار توانست یکی از موضوعات داخلی ایران را امنیتی کند.

بر این مبنای اسرائیل ادعای کرد ایران با فعالیت‌های هسته‌ای که خط قرمز پذیرفته‌شده و همه‌شمولی در عرصه بین‌المللی به شمار می‌آید، امنیت دولت‌ها و ملت‌ها را در معرض تهدید قرار داده است.

رژیم اسرائیل جنبه عملی پیدا کرد.^{۱۶}

تلاش رژیم صهیونیستی به منظور ترغیب کشورهای بیشتر برای اعمال فشار بر ایران، به تدریج روابط دیپلماتیک را با سایر کشورها نیز تحت تأثیر قرار داد و تنش را جایگزین روابط دوستانه مبتنی بر احترام متقابل کرد. تنش‌های کلامی و رفتاری به دنبال تحریم‌های سیاسی در روابط ایران و کشورهای دیگر گسترش یافت و روابط ایران محدود به برخی کشورهای خاص شد که البته منافع چندانی برای کشورمان دربر نداشت. این در حالی بود که اسرائیل و سازمان‌های وابسته به آن، همچنان کشورهای دیگر را به اعمال فشارهای بیشتر ترغیب می‌کردند و تلاش داشتند ایران را از دایره روابط دیپلماتیک بین‌المللی خارج سازند.

به عنوان نمونه آلن ژوپه، وزیر امور خارجه فرانسه، که به دنبال تحریم بانک مرکزی از سوی لندن، به ترغیب اتحادیه اروپا برای اعمال فشارهای بیشتر بر ایران پرداخت، از سوی اسرائیل و سازمان‌های فراملی صهیونیست، بارها مورد قدردانی قرار گرفت. رئیس کمیته یهودیان آمریکا به عنوان یکی از مهم‌ترین

۱۶. آپیک به عنوان مهم‌ترین سازمان و لابی صهیونیستی در کنگره آمریکا در بیانیه ۹ نوامبر ۲۰۱۱ خود نوشت: «آمریکا باید بانک مرکزی ایران را تحریم کند و از اقدامات مشابه در سطح بین‌المللی حمایت کند. بانک مرکزی ایران کلید مالی این کشور برای دستیابی به سلاح هسته‌ای است» (Aipac, 2011.11.10). آپیک در به جریان انداختن این لایحه نقش مهمی ایفا کرده بود و در همان روزی که لایحه تحریم بانک مرکزی از سوی سناتورها ارائه داده شد، از این امر ابراز خرسندی کرد: «آپیک لایحه مبنی بر تحریم بانک مرکزی ایران که امروز توسط ۲۹ سناتور امضا شد را تحسین و از سنا قدردانی می‌کند... به رغم تلاش برای توقف ایران از مسیر هسته‌ای شدن، این کشور همچنان به درخواست بازرسی آژانس پاسخ منفی می‌دهد و با شتاب به دنبال افزایش سانتیفریوهای خود است» (Thinkprogress, 2011.8.9).

سازمان‌ها و لابی‌های فعال در این باره نوشت: «ما از فرانسه برای موضع درست خود در مقابل برنامه هسته‌ای ایران سپاسگزاریم و با وی هم‌صداییم که اتحادیه اروپا باید فشارهای خود را بر ایران بیشتر کند تا انزوای ایران به صورت کامل به وقوع بپیوندد، فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک مطمئن‌ترین راه برای انزوا و شکست ایران است» (AJC, 12487299).

این در حالی بود که پذیرش دومینوی تحریم‌ها و کاهش روابط دیپلماتیک کشورهای عضو اتحادیه اروپا با ایران، موجب کاهش چشم‌گیر و حتی قطع کامل روابط کشورمان به رغم وجود منافع اقتصادی با این اتحادیه شد. از این رو اسرائیل و متحدان سازمانی آن تا حدود زیادی توانستند ایران را از داشتن یک دیپلماسی مؤثر و همسو با منافع ملی کشور، محروم کنند. اتحادیه اروپا که می‌توانست به عنوان یکی از اهرم‌های تعادل بین‌المللی در مقابل آمریکا برای ایران نقش آفرینی کند، مهم‌ترین هدف اسرائیل در این چارچوب به شمار می‌آمد.

رژیم صهیونیستی راهبرد خود را به دو گام تحریم و منزوی‌سازی ایران محدود نکرد و به تدریج تلاش کرد تا بستر را برای مرحله نهایی و موردنظر خود یعنی گزینه نظامی مهیا کند. گزینه نظامی، به عنوان گزینه روی میز که آمریکا در مورد آن بارها موضع گرفت، نقطه نهایی راهبرد اسرائیل بود. این رژیم از گزینه نظامی روی میز که آمریکا ادعا می‌کرد در صورت اصرار ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای از آن استفاده خواهد کرد، پا را فراتر نهاد و حمله پیشگیرانه علیه ایران را وارد ادبیات سیاسی خود کرد. ادعای حمله پیشگیرانه اسرائیل علیه ایران به جایی رسید که آمریکا متحد دیرین این رژیم را نیز به واکنش واداشت.

نقطه پایان راهبرد امنیتی‌سازی مبتنی بر تحریم، انزوا و حمله نظامی بود.

توافق هسته‌ای، بازی رژیم صهیونیستی بر مبنای تهدیدسازی هسته‌ای ایران را با مشکل جدی مواجه کرد و به مثابه مانعی جدی نه تنها از تداوم روندی که این رژیم در ابعاد مختلف در قبال ایران پیاده کرد، ممانعت کرد، بلکه مهم‌تر از آن ساختار و شالوده‌ای که این رژیم در قالب راهبرد امنیتی‌سازی علیه ایران ایجاد کرده بود را نیز از هم پاشید. در نتیجه این رویداد، جمهوری اسلامی ایران فرصت‌ها و فضاهای قابل توجهی در سطح بین‌المللی برای حضور قدرتمند پیدا کرد. علاوه بر گشایش‌های بین‌المللی، جنگ نظامی قدرتمند در منطقه در مقابل داعش به عنوان نمود محسوس تروریسم، اهمیت ایران در ثبات منطقه را به صورت موفق‌آمیزی بازتاب داد و بستری برای مشروعیت‌بخشی فزاینده ایران در نگاه بازیگران بین‌المللی فراهم آورد.

باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، ایران را قدرت منطقه‌ای خواند. ضمن آنکه بهبود شرایط اقتصادی داخلی با لغو تحریم‌ها و استقبال کشورهای خارجی برای سرمایه‌گذاری، تبدیل به پیش‌بینی غالب تحلیل‌گران در مورد اوضاع داخلی ایران شده بود. از امضای توافق هسته‌ای تا انتخابات دونالد ترامپ برای ریاست‌جمهوری آمریکا، رژیم صهیونیستی سیاست صبر و انتظار را با موضعی منفعلانه پیمود. پس از انتخابات آمریکا، راهبرد چهارم این رژیم تدوین و با قوت پیش گرفته شد.

۲-۴. مرحله چهارم؛ پیشینه‌سازی قدرت

انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا، نقطه عطف این رژیم در راهبرد پیشینه‌سازی قدرت بود. این انتخابات برای رژیم صهیونیستی ویژگی‌های

رویتز در این باره نوشت: «باراک اوباما به‌صراحت اعلام کرده است که گزینه نظامی علیه ایران همچنان روی میز است. وی در عین حال به نخست‌وزیر اسرائیل هشدار داد که هیچ حمله‌ای را در وضعیت فعلی در دستور کار قرار ندهد. نتانیاهو تأکید کرده بود که می‌خواهد به اقدام اسرائیل برای مواجهه با تهدیدی که می‌خواهد اسرائیل را از روی نقشه زمین پاک کند، احترام گذاشته شود. نتانیاهو در دیدار با اوباما تلاش کرد که وی را به شدت عمل در مورد برنامه هسته‌ای ایران وادار کند» (Reuters, 21085201203028).

واشنگتن‌پست نیز این مسئله را که اسرائیل به دنبال اجماع حداقلی آمریکا و کشورهای اروپایی برای حمله یک‌جانبه به ایران است، در مقاله مفصلی با عنوان «اولتیماتوم نتانیاهو به ایران در مورد سلاح هسته‌ای» به‌روشنی تشریح کرد: «نتانیاهو در شش ماه گذشته تلاش بسیاری را انجام داده است تا حمله یک‌جانبه به ایران را توجیه کند. مقامات اسرائیلی بارها اعلام کرده‌اند که نمی‌توانند کشوری هسته‌ای را که متعهد به نابودی اسرائیل است، ببیزیند...» (Washingtonpost, 2012.09.27).

در دوره‌ای که رژیم صهیونیستی تلاش داشت تا مرحله سوم راهبرد خود را عملی و به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای، هدف دیرینه خود را مبنی بر تغییر رژیم در ایران پیاده کند، مذاکرات ایران و قدرت‌های بزرگ وارد بستر جدیدی شد. با امضای نهایی توافق هسته‌ای ایران سه ضلع مثلث راهبردی اسرائیل یعنی تحریم، انزوای دیپلماتیک و حمله نظامی، مفهوم خود را از دست داد. مخالفت شدید هیئت حاکمه رژیم صهیونیستی با توافق هسته‌ای که شکاف داخلی این رژیم را تعمیق کرد و حتی به تیرگی روابط دیرینه واشنگتن و تل‌آویو منجر شد،

تلقی می‌شد.

در این شرایط پیروزی دونالد ترامپ که بارها بر سرسپردگی خود به صهیونیست‌ها اذعان کرده بود، برای رژیم اسرائیل فضایی از امید و انگیزه برای آینده را ایجاد کرد. به‌ویژه آنکه دونالد ترامپ پس از انتخاب، دست این رژیم را برای ابتکار عمل در مورد موضوعات امنیتی باز گذاشت. این نکته کلیدی را نفتالی بنت^{۱۷}، وزیر آموزش رژیم صهیونیستی، پس از دیدار خود با مشاوران ترامپ، به‌صراحت به مقامات این رژیم انتقال داد. وی پس از سفر به نیویورک در آغازین روزهای انتخاب ترامپ، به نتانیاهاو گفت: «آن‌ها آمادگی بسیار دارند تا آنچه ما برای خود می‌پسندیم را بشنوند» (Irfan Husain, *Annx.Asianews: 2018.05.14*). این پیام به معنای آن بود که صهیونیست‌ها بدون هیچ دغدغه‌ای از جانب کاخ سفید می‌توانند جاه‌طلبی‌های خود را در دستور کار قرار دهند.

با توجه به چنین فضایی، رژیم صهیونیستی راهبرد بیشینه‌سازی قدرت را با تمرکز بر سه محور که ترکیبی از مراحل دور قبل و شرایط جدید بود، در دستور کار قرار داد: نخست، احیای امنیتی‌سازی و بازگشت تحریم‌های فلج‌کننده از طریق برهم‌زدن توافق هسته‌ای، دوم، ورود نظامی به فضای سوریه به‌ویژه با پیروزی‌هایی که مقاومت در روبرویی با داعش و سایر گروه‌های معارض در سوریه به دست آورده بود و سوم حضور فعالانه در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران.

این رژیم پس از انتخاب دونالد ترامپ، در کنفرانس هرترلیا افشا کرد که گفت‌وگوهای محرمانه با دولت جدید آمریکا برای خروج از برجام و بازگشت

تقریباً منحصر به فردی داشت. نخست آنکه تل‌آویو در این انتخابات، به مثابه دوره‌های پیش، یک دوست را برای جایگزینی دوست بعدی خود در کاخ سفید بدرقه نمی‌کرد، بلکه با غضب برای خروج اواما و تیم وی به امید محو شدن آن‌ها در دایره سیاست آمریکا، انتظار می‌کشید.

فضای تنش‌آلود بین باراک اواما و نتانیاهاو به‌ویژه در دوره دوم ریاست‌جمهوری اواما بر سر توافق هسته‌ای ایران، شهرک‌سازی در کرانه باختری و به بن‌بست رساندن مذاکرات سازش فلسطینی - اسرائیلی در پی خلف وعده این رژیم برای آزادی زندانیان پیش از قرارداد اسلو، تقابل کم‌نظیری را در روابط کاخ سفید و تل‌آویو به وجود آورده بود. سخنرانی نتانیاهاو در ماه مارس ۲۰۱۵ علیه سیاست‌های اواما و قهر سیاسی وی پس از تصویب توافق در کنگره، اوج سردی بیش از پیش روابط طرفین بود که به قطع دیدارهای آنان با یکدیگر منجر شد.

پس از این دوره نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به دلیل فشارهای داخلی و نیز برخی ملاحظات همچون ترمیم شکاف بین یهودیان جمهوری خواه و دموکرات در آمریکا، سیاست صبر و انتظار را در پیش گرفت و در عین نبود روابط دوستانه با کاخ سفید، تلاش کرد از تعمیق تنش‌ها ممانعت به عمل آورد. از این رو انتخابات ریاست‌جمهوری برای اسرائیل، به ذات خود اتفاقی خرسندکننده به شمار می‌آمد. دوم آنکه هیچ‌کدام از نامزدهای ریاست‌جمهوری در این دور از انتخابات آمریکا، برای اسرائیل گزینه نگران‌کننده نبودند. با خروج برنی سندرز از دایره رقابت که تفکرات ضدتشیلاتی او، اسرائیل، لابی‌های صهیونیستی و سرمایه‌داران یهودی را هدف گرفته بود، انتخاب هر کدام از نامزدها برای اسرائیل برد-برد

17. Naftali Bennett

داشته باشد، موفقیت آن بسیار دور از ذهن است؛ زیرا طرف‌های دیگر توافق، همکاری نخواهند کرد» (Itamar Eichner, Ynetnews, 5064799).

هدف دوم در قالب راهبرد جدید، خروج ایران از سوریه و ممانعت از هرگونه شرایطی بود که حضور ایران در این کشور را تداوم می‌داد. این مسئله در جلسات، نشست‌ها و گردهمایی‌های مهم سیاست‌گذاری در چند سال اخیر، همواره یکی از موضوعات برجسته‌ای بود که تصمیم‌گیرندگان این رژیم به آن پرداخته‌اند. برای نخستین بار چندین سخنران در کنفرانس هرتزیلیای ۲۰۱۷، با تأکید بر حضور ایران در سوریه، بزرگ‌ترین تهدید بالقوه اسرائیل را «مرزهای شمالی» این رژیم دانستند.

آмос گیلا^{۱۹}، رئیس مؤسسه سیاست و استراتژی اسرائیل و یکی از مقامات مهم امنیتی سابق، واژه «حزبالله‌ستان»^{۲۰} را به کار برد و گفت: «هم‌زمان با شکست داعش آنچه در جلوی چشمان ما در حال رشد است، نه ظهور یک دموکراسی جفرسونی، بلکه اتحاد ایران، حزب‌الله و رژیم بشار اسد و نیز روسیه است (Gilead Amos: 2017). من نام آن را «حزبالله‌ستان» می‌گذارم. این موجودیت بسیار قوی، یک تهدید استراتژیک برای اسرائیل است» (Jewishlinknj: 2017.06.22). بر این اساس، خطوطی که تصمیم‌گیرندگان این رژیم باید در قبال حضور ایران در سوریه در پیش می‌گرفتند، از سوی مؤسسات امنیتی، به‌ویژه مؤسسه امنیت ملی اسرائیل، در قالب سند ارزشیابی استراتژیک، به مقامات این رژیم داده شد. مهم‌ترین این موارد راهبردی عبارت بود از:

تحریم‌ها را آغاز کرده و درنهایت اعلام کرد که دو طرف سند مشترکی را در روز ۱۲ دسامبر ۲۰۱۷ در کاخ سفید^{۱۸}، برای ایجاد همکاری مشترک به منظور مقابله با موضوع هسته‌ای ایران، برنامه موشکی و فعالیت‌های تهدیدآمیز ایران و حزب‌الله، امضا کرده‌اند. نخستین هدف اسرائیل در هماهنگ‌سازی برنامه‌های خود با کاخ سفید، خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها بود که با اعلام خروج آمریکا در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (۸ می ۲۰۱۸) و با اعمال فشارها و بازگشت دومرحله‌ای تحریم‌ها علیه ایران به این هدف دست یافت.

با این حال شکاف آمریکا با سایر اعضای ۵+۱، از مسائلی بود که رژیم صهیونیستی آن را مانعی برای هدف نهایی خود می‌دانست: «با اینکه توافق ۲۰۱۵ از سوی دولت ترامپ، رد شده است، اما طی سال گذشته، از این توافق حمایت و پایبندی ایران به آن تأیید شده است. از این رو اگر تنها آمریکا به عنوان مثال از طریق کنگره، سعی در اصلاح این توافق

۱۸. بر اساس تصمیماتی که در قالب این سند مشترک اتخاذ شده، تشکیل چهار تیم مشترک برای کنترل و رسیدگی به فعالیت‌های ایران در زمینه‌های مختلف، در دستور کار قرار گرفته است. نخستین تیم بر «فعالیت‌های ایران در سوریه و نیز همکاری‌های ایران و حزب‌الله» متمرکز شد. تیم دوم، برای ممانعت از آنچه «جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران» خوانده شد، تشکیل شد تا «فعالیت‌های اطلاعاتی و دیپلماتیک ایران در حوزه هسته‌ای» را بررسی کند. تیم سوم، وظیفه «مقابله با برنامه موشکی بالستیک» را بر عهده داشت تا از فعالیت‌های ایران برای «ساخت سیستم موشکی در سوریه و لبنان» ممانعت کند. درنهایت تیم چهارم برای کنترل و مقابله با هرگونه «تنش آفرینی توسط ایران و حزب‌الله»، تشکیل شد. مشاوران امنیتی اسرائیل و آمریکا، سند مذکور را بازتاب درک مشترک نسبت به «چشم‌انداز روندهای حاکم بر منطقه» میان اسرائیل و آمریکا دانسته و ادعا کردند که سیاست‌ها و استراتژی‌های مشترک برای مقابله با تهدیدات موجود در منطقه، در این سند، بازتاب یافته است (Itamar Eichner, Ynetnews, 5064799).

19. Amos Gilad
20. Hezbollastan

باید سه سناریو برای جنگ در شمال داشته باشد: اولین سناریو جنگ محدود با لبنان، دیگری جنگ مشترک سوریه و لبنان که در آن عناصر ایرانی و شیعه نیز حضور دارند و سوم جنگ تمام‌عیار که ایران به صورت رسمی در آن شرکت دارد. در این جنگ، اسرائیل هزینه‌هایی را بر دوش خواهد کشید.

تلفات شدید، استفاده از هزاران موشک و راکت در این جنگ و هم‌زمان تلاش برای نفوذ در خاک اسرائیل با هدف حمله به ساکنان نقاط مرزی و زیرساخت‌های اساسی از مهم‌ترین هزینه‌هایی است که اسرائیل باید برای آن‌ها برنامه داشته باشد. در این شرایط باید توجه داشت حزب‌الله و سوریه با یکدیگر به صورت هماهنگ عمل خواهند کرد.

در حالی که انتظار می‌رود موشک‌ها از خاک سوریه پرتاب شود، نیروهای شیعی و ارتش سوریه از بلندی‌های جولان، حمله خواهند کرد. ایران نیز حماس و جهاد اسلامی را تشویق خواهد کرد که موشک‌هایی را که در نوار غزه موجود است، به سمت اسرائیل پرتاب کنند و نیروهایشان از حصار مرزی از طرق مختلف مانند تونل‌ها گذر کرده و به حمله علیه نیروهای اسرائیلی بپردازند.

توجه دولت ترامپ به صورت مستمر به مسائل دیگر غیر خاورمیانه معطوف می‌شود. برای مواجهه بهتر و کامل‌تر با ایران باید اسرائیل و آمریکا به «ادراکی مشترک» و «دیدگاهی موازی» برسند که بر اساس آن تهدید ایران به عنوان یک کلیت مورد توجه قرار گرفته و استراتژی مشترکی به صورت رسمی برای مقابله با آن تدوین شود. همچنین بازسازی روابط با یهودیان آمریکا از طریق مذاکره و گفت‌وگوهای باز باید در دستور کار قرار گیرد.

طی دو سال گذشته، روسیه برنده آشکار در

«احتمال وقوع تقابل نظامی بزرگی در جبهه شمال بیش از هر زمان دیگری در دهه گذشته، وجود دارد. بنابراین ارتش اسرائیل باید آمادگی خود را برای مواجهه - محدود یا تمام‌عیار - با سوریه و حزب‌الله در جبهه‌های شمالی ارتقا دهد.

در حالی که اسرائیل در حال فلج کردن پایگاه‌های ایران در سوریه است، ممکن است حزب‌الله جنگ در جبهه‌های شمال را آغاز کند؛ به‌ویژه اینکه در مقطع کنونی از وظیفه اصلی، یعنی حفظ حکومت بشار اسد تقریباً فارغ شده است.

جنگ در شمال با جنگ حماس در جنوب، همراه خواهد بود. علاوه بر این باید به این نکته نیز توجه داشت که جنگ حزب‌الله در جبهه‌های شمال لزوماً محدود به لبنان نخواهد بود. نیروهای ایرانی و حامیان آن‌ها و حتی ارتش سوریه نیز در این جنگ ممکن است مشارکت داشته باشند.

اولویت نخست اسرائیل در حال حاضر، باید اقدامات استراتژیک و عملیاتی برای مقابله با دشمن سه‌گانه خود یعنی حزب‌الله، ایران و سوریه باشد. این نبرد احتمالی نیاز به هماهنگی بخش‌های مختلف از سطوح پایین دولت گرفته تا ابزارهای سیاسی، نظامی، استراتژیک، عملیاتی و تکنولوژیکی دارد. همچنین آگاهی و هماهنگی با شرایط میدان و نیز سلاح‌های دشمن که در این چند سال انباشت شده است شامل موشک‌های بالستیک، سیستم‌های دفاع هوایی، هواپیماهای بدون سرنشین و یگان‌های مسلحی که هدفشان شهرک‌نشینان است، باید انجام پذیرد.

حضور نظامی روسیه در سوریه، هرچند عاملی خنثی تعریف می‌شود، اما می‌تواند محدودیت‌هایی بر آزادی عمل اسرائیل ایجاد کند. بنابراین اسرائیل

غزه، مقامات ارشد نظامی و سیاسی باید در مورد اهداف و مقاصد موردنظر تبادل نظر کنند. شرایطی که در آن جنگ شروع شده و پایان خواهد یافت و همچنین محدودیت‌های آن باید تعیین شود. کابینه نیز باید با تشکیل جلسات متعدد، قبل از رویارویی به آمادگی رسیده باشد» (Itamar Eichner, Ynet-news, 5064799).

هدف سوم در استراتژی کنونی رژیم صهیونیستی، تداوم حضور فعالانه در منطقه است. گسترش روابط با کشورهای عربی و نیز کشورهای پیرامونی، نقطه کانونی این گام است. رژیم صهیونیستی بر این امر واقف است که نزدیکی به عربستان که خود را رهبر کشورهای عربی خلیج فارس می‌داند، راه را برای تنش‌زدایی با سایر کشورهای منطقه، تسهیل می‌کند. دعوت چندین‌باره از پادشاه سعودی و نیز ولیعهد آن به این رژیم، هرچند از نبود ادراک واقعی اسرائیلی‌ها نسبت به افکار عمومی جهان عرب که همچنان یک مانع قابل توجه بر سر راه پذیرش صهیونیست‌ها است، حکایت دارد، اما اراده محکم تل‌آویو برای برقراری این ارتباط را نشان می‌دهد.

اسرائیل به‌روشنی از تمایل کشورهای عربی منطقه برای همکاری امنیتی و اقتصادی واقف است، ضمن اینکه از تنش‌های سنی-شیعی منطقه و حساسیت عرب‌ها نسبت به گسترش نفوذ ایران، آگاه است و درصدد است حداکثر استفاده از این فضا را به نفع خود به پیش ببرد و از همین زاویه منافع خود را دنبال می‌کند. «روابط کامل اقتصادی و امنیتی نه زیر میز بلکه روی میز» با «کشورهای معتدل سنی»، هدف نهایی اسرائیل در روابط خود با کشورهای عربی را نشان می‌دهد (Aljazeera: 2017.06.22).

علاوه بر ابعاد اقتصادی، روابط اطلاعاتی برای

منطقه بود و مهم‌ترین بازیگر دولتی در شکل‌گیری و تثبیت صحنه سوریه قلمداد می‌شود، در حالی که آمریکا را تحت فشار قرار داد و موضع آن را تضعیف کرد. روسیه ریشه‌های خود را در خاک، هوا و دریای سوریه محکم کرده است تا کنترل استراتژیک این کشور را برای نیروهایش در آینده فراهم کند و محتاطانه با تمام بازیگران دیگر منطقه به توافق رسیده است. بررسی‌های عمیق از اوضاع منطقه نشان می‌دهد که منافع اسرائیل و روسیه به دلیل حمایت مسکو از تقویت ایران در سوریه در نهایت با یکدیگر برخورد می‌کند.

نیاز است که اسرائیل برای مدت قابل توجهی علیه محور ایران در سوریه مقابله کند و قواعد محیطی جدید را از طریق یکپارچه‌کردن اقدامات نظامی و ارتباطات استراتژیک، به طرف مقابل یعنی ایران به عنوان دشمن و روسیه به عنوان مهم‌ترین بازیگر سوریه، غالب کند. اسرائیل از اهرم فشار خوبی علیه ایران و روسیه برخوردار است و آن ضربه به موفقیت‌های آنان در حفظ حکومت بشار اسد و ثبات در سوریه است. بقای حکومت اسد و تجدید حیات اقتصادی سوریه، منافع مشترک مسکو و تهران است که می‌تواند به عنوان اهرم فشار در راستای منافع اسرائیل به کار آید.

اسرائیل باید به دنبال ایجاد شکاف در روابط ایران و سوریه باشد. باید از عوامل تنش‌زا که طرفین در آن‌ها اختلاف نظر دارند، همچون آینده اسد و یا حضور نظامی ایران در سوریه، برای جداسازی این دو استفاده کرد. محدود کردن تهدید موشکی ایران از دیگر ابعادی است که باید در استراتژی آمریکایی-اسرائیلی علیه تهران به کار گرفته شود.

با توجه به احتمال جنگ در جبهه شمال و نوار

([uel.Ramani, huffingtonpost](http://www.uel.Ramani.huffingtonpost.com)). در حال حاضر، حضور اسرائیل در کشورهای منطقه اعم از مصر، اردن، کشورهای حوزه قفقاز و آسیای مرکزی - که برای ایران از ارزش استراتژیک قابل ملاحظه‌ای برخوردار هستند - همسایگان غربی ایران که ترکیه و کردستان عراق را شامل می‌شود و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بسیار حائز اهمیت است. بر اساس یافته‌ها^{۲۱}، حضور اقتصادی اسرائیل در منطقه، از سه الگو پیروی می‌کند:

الف) روابط اقتصادی پایدار با هدف کنترل و ممانعت از بروز و گسترش تنش: روابط اقتصادی اسرائیل با ترکیه، مصر، اردن و آذربایجان و نیز تا حدودی قطر را باید در سطح روابط اقتصادی پایدار به شمار آورد. اسرائیل از لحاظ روابط سیاسی با کشورهای مذکور مشکل چندانی نداشته و از این رو از روابط اقتصادی برای تثبیت روابط سیاسی و دیپلماتیک و اجتناب از بروز و گسترش تنش‌ها در این زمینه استفاده می‌کند. پیامدهای روابط اقتصادی و سیاسی اسرائیل با این کشورها برای جمهوری اسلامی ایران، جلوه‌های گوناگونی دارد: نخست، روابط مذکور مانع برقراری روابط مؤثر جمهوری اسلامی ایران به رغم دین مشترک با این کشورها شده است؛ همچون مورد مصر و اردن. دوم، از روابط اقتصادی شکل گرفته به عنوان مسیری برای تثبیت روابط امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شود؛ مانند مورد آذربایجان. سوم، موجب خروج اسرائیل از انزوای منطقه‌ای شده و از اتحاد مؤثر و اشتراک مواضع منطقه‌ای علیه موضوعات مرتبط با نظم منطقه‌ای جلوگیری می‌کند مانند مورد قطر و یا تفاوت مواضع ترکیه با ایران در قبال موجودیت

کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که طمع زیادی برای برتری نظامی و اطلاعاتی دارند، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. در ژانویه ۲۰۱۶، زوی مازل^{۲۱} سفیر سابق اسرائیل در مصر، با اشاره به هم‌گرایی استراتژیک رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی عنوان کرد: «در جریان مذاکرات هسته‌ای ایران، سازمان اطلاعات اسرائیل، روابط مؤثر خود را با کشورهای عربی افزایش داد. امارات متحده نیز با توجه به موضع مشترکمان علیه ایران و اخوان‌المسلمین، در این رابطه با ما پیوندهای زیادی دارد».

همچنین ارن اتریون^{۲۲}، یکی از رؤسای سابق برنامه‌ریزی در وزارت امور خارجه، در یادداشتی در سال ۲۰۱۶ بر این امر تأکید کرد که «از سال ۲۰۰۹ تاکنون، مقامات امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل و کشورهای حوزه خلیج فارس با یکدیگر همکاری دارند، اما این به معنای پیشرفت در روند دیپلماتیک نبوده است. این همکاری اطلاعاتی طی نوامبر ۲۰۱۳ تا ژوئیه ۲۰۱۵ که توافق هسته‌ای ایران به انجام رسید، بی‌سابقه بود» (Ulrichsen, 2016: 7).

هرچند منابع اطلاعاتی اسرائیل برای برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس از اهمیت دوچندانی برخوردار است، اما اقتصاد پویای این رژیم، یکی دیگر از پیوندهای موفق آن با کشورهای منطقه در سال‌های اخیر بوده است. رژیم صهیونیستی با آگاهی از جاذبه اقتصاد خود در میان این کشورها، پیوندهای اقتصادی را با کشورهای عربی و نیز سایر کشورهای پیرامونی ایران در چارچوب طرح «توافق اقتصادی راهی برای صلح امنیتی پایدار در خاورمیانه» دنبال می‌کند-Sam: 11946660

۲۳. ر. ک به: «رسوخ دیپلماتیک اسرائیل در کشورهای پیرامونی با پوشش اقتصادی»، فصلنامه مطالعات راهبردی.

21. Zvi Mazel
22. Eran Etzion

اسرائیل و سایر موارد (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۳۱).

ب) روابط اقتصادی کم‌بازده با هدف حضور در مناطق استراتژیک: روابط اقتصادی اسرائیل با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز که برقرار شده و یا این رژیم در درصد برقراری و گسترش آن است را باید جزء روابط کم‌بازده برای اسرائیل به شمار آورد. بر این مبنا آنچه برای این رژیم در اولویت قرار دارد، نه عواید اقتصادی بلکه حضور در مرزهای نزدیک ایران است. به عنوان نمونه ترکمنستان از لحاظ اقتصادی و سرمایه‌گذاری جاذبه‌ای برای اسرائیل ندارد همان‌گونه که اقتصاد ضعیف ازبکستان، انگیزه‌ای برای ورود اسرائیل از طریق تجاری باقی نمی‌گذارد. با این حال همسایگی و مرز مشترک با ایران، یکی از ظرفیت‌هایی است که این رژیم مطمئناً آن را مدنظر قرار داده است. حضور اسرائیل در این کشورها، به معنای امکانات بیشتر برای دستیابی به کانون‌های اطلاعاتی درباره ایران است. از این رو به نظر می‌رسد اسرائیل در برنامه بلندمدت خود، نزدیکی و روابط نزدیک با کشورهایی که با ایران مرز مشترک دارند را هدف خود می‌داند. همچنین به نظر می‌رسد هدف اسرائیل از حمایت سیاسی از کردستان عراق نیز در همین چارچوب، یعنی تلاش برای حضور در نزدیک‌ترین فضای ممکن به مرزهای جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

ج) «رسوخ» پیروزمندانه دیپلماتیک» راهی برای عادی‌سازی و گسترش روابط امنیتی: رژیم صهیونیستی در چند سال اخیر توجه ویژه‌ای بر گسترش روابط با کشورهای عربی منطقه دارد. این راهبرد تحت عنوان «همکاری با کشورهای سنی معتدل»، از سوی مقامات ارشد این رژیم مطرح شده است و در رفتارهای سیاسی و اقدامات اجرایی آن‌ها در فضای واقعی و فضای مجازی کاملاً به‌وضوح دیده می‌شود. رژیم اسرائیل برای دستیابی به این هدف،

بر اساس نیاز کشورهای عربی، آن‌ها را تشویق به همکاری می‌کند. ظرفیت‌های اقتصادی، تکنولوژیکی و همچنین خدمات و همکاری‌های اطلاعاتی مهم‌ترین حوزه‌ها در روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی در سال‌های اخیر بوده است.

روابط اقتصادی رژیم صهیونیستی از طریق واسطه‌ها و نیز روش‌های غیرحساسیت‌زای دیگر با کشورهای حوزه خلیج فارس همچون امارات متحده عربی، بحرین، عمان و تا حدودی عربستان، هرچند در سطح حداقلی قرار دارد، اما برای این رژیم یک پیروزی به شمار می‌آید. اکثر کشورهای عربی از ایده اسرائیل برای نزدیکی استقبال کرده‌اند؛ هرچند تقریباً همه آن‌ها، به بازی پنهانی با این رژیم متمایل بوده و آشکارشدن روابط خود را به حل مسئله فلسطین و آمادگی پذیرش عادی‌سازی روابط در افکار عمومی جهان عرب منوط کرده‌اند. این در حالی است که اسرائیل به‌شدت به دنبال آشکارسازی روابط خود یا همان «روابط کامل دیپلماتیک روی میز نه زیر میز» (Aljazeera: 2017.06.22) بوده و از نزدیکی خود با کشورهای عربی در سال‌های اخیر با عنوان «دوره بی‌سابقه» در حیات روابط خارجی این رژیم نام می‌برد؛ زیرا هرگونه ارتباط با این کشورها، به معنای ترک خوردن دیوار تاریخی دشمنی عرب‌ها با اسرائیل و پایان دادن به خصومت چندین‌دهه‌ای دولت‌های عرب با رژیم صهیونیستی است (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

علاوه بر مصر و اردن که همکاری‌های اقتصادی با اسرائیل را برای تسهیل هرچه بیشتر روابط اقتصادی با آمریکا جزء منافع استراتژیک خود می‌دانند، قابلیت‌های بالای این رژیم در این حوزه، به منزله بستر جذابی برای کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، خودنمایی می‌کند. مسئله‌ای که صهیونیست‌ها بر آن واقفاند و در تلاش‌اند نهایت بهره از آن را ببرند.

برای آغاز اقدامات مشترک با عربستان مطرح کرد و توانست توجه سعودی‌ها را نیز به آن جلب کند (Ulrichsen, 2016: 7).

برخی بر این باورند که امکان فعالیت تجاری شرکت‌های اسرائیل در خلیج فارس و امکان پرواز خط هوایی ملی اسرائیل (ال‌عال) در حریم هوایی عربستان سعودی، نخستین گام‌های عادی‌سازی روابط این‌دوست. هرچند نسبت به این قضیه همچنان تردید وجود دارد و منابع نزدیک به عربستان سعودی، ایده مذکور را بیش از اراده سعودی‌ها، خواست آمریکا و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی این کشور برای دست‌یابی به صلح نهایی در خاورمیانه می‌دانند، به‌ویژه آنکه همکاری نزدیک عربستان و رژیم صهیونیستی، در طرح معامله قرن برای حل مسئله فلسطین، یکی از ستون‌های اصلی است.

در خصوص روابط دیپلماتیک، کارگاه‌های کارشناسان بین‌المللی، به‌ویژه زمانی که کشورهای عربی میزبانی آن را بر عهده داشته‌اند، رابطه مقامات اسرائیلی با عرب‌ها را تسهیل کرده است. ضمن اینکه تماس میان مقامات اسرائیل و کشورهای عربی در حاشیه جلسات مقامات کشورهای مختلف، یکی دیگر از بسترهای تقویت‌کننده روابط دیپلماتیک بوده است. این روابط در چند سال اخیر روند تقریباً پرشتاب‌تری به خود گرفته است؛ به‌ویژه آنکه حضور وزیر ورزش رژیم صهیونیستی در مسابقات بین‌المللی جودو در عمان در آبان ۱۳۹۷، به افراشته شدن پرچم و پخش سرود این رژیم، انجامید.

در نهایت اینکه هم‌گرایی در برآوردهای استراتژیک رژیم صهیونیستی و کشورهای خلیج فارس در سال‌های اخیر با توجه به تحولات منطقه‌ای، خود را

این بهره‌گیری در قالب «صلح اقتصادی با کشورهای حوزه خلیج فارس» به عنوان راهی برای ارتقای امنیت اسرائیل در منطقه (Samuel Ra-06664911: mani, huffingtonpost) بارها از سوی کارشناسان این رژیم مورد توجه قرار گرفته است.

از این رو به نظر می‌رسد این ایده که کشورهای عربی به اقتصاد، فناوری و تکنولوژی اسرائیل نیاز داشته و این رژیم در مقابل، می‌تواند آن‌ها را تبدیل به دوستان امنیتی خود کند، در سال‌های آینده با پشتکار بیشتری از سوی این رژیم دنبال خواهد شد. به‌ویژه آنکه در حال حاضر روابط رژیم صهیونیستی با این کشورها از طریق شرکت‌های واسطه‌ای، واهمه ترس افکار عمومی عرب‌ها نسبت به رابطه با اسرائیل را نیز از میان برده است. امارات، بحرین و قطر نیز دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس هستند که رژیم اسرائیل توانسته است طرح نزدیکی و حضور غیررسمی در این کشورها را در خلال وسوسه آن‌ها برای استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اقتصادی و تکنولوژیکی خود، عملیاتی کند.

عربستان که بر هویت خود در کسوت رهبری کشورهای عربی تأکید دارد، در چند سال گذشته با توجه به ترسی که از موقعیت منطقه‌ای ایران از خود نشان داد، در بازی اسرائیلی‌ها، به صورت محتاط وارد شده است. هرچند برخی منابع بر این امر تأکید دارند که روابط تجاری بر پایه شخص واسطه یا ثالث، میان عربستان و اسرائیل در جریان است و بیشتر شامل محصولات تکنولوژیکی و کشاورزی بوده و از طریق اردن و قبرس انتقال داده می‌شود (Ulrichsen, 2016: 11) اما به نظر می‌رسد همکاری‌های اطلاعاتی بستر موردعلاقه ریاض در روابط پنهانی با صهیونیست‌هاست. چنانچه اسرائیل برای نخستین بار ایده همکاری‌های اطلاعاتی را

در این میان مواضع ضد اسرائیلی و مخالفت با این رژیم از سوی مقامات و نهادهای مهم جمهوری اسلامی ایران همواره مورد تأکید قرار می‌گرفت. علاوه بر مواضع حمایت‌گرانه ایران در مورد فلسطین، در نخستین سال پیروزی انقلاب، رئیس‌جمهور وقت، در گفت‌وگو با هفته‌نامه فلسطین ال‌طوراً^{۲۴} اعلام کرد: «جنگیدن ما همراه عرب‌ها علیه اسرائیل امری طبیعی است و ما پس از اصلاحاتی که باید در نیروهای نظامی صورت گیرد، حتماً به آن‌ها ملحق می‌شویم» (Abadi, 2003: 98).

از سوی دیگر در راستای ایجاد ساختار مناسب در دستگاه‌های اجرایی کشور، قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین مشتمل بر هشت ماده و یک تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه نوزدهم اردیبهشت ۱۳۶۹ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۱۹ به تأیید شورای نگهبان نیز رسید. بر اساس این قانون، جمهوری اسلامی ایران ملزم می‌شود «از مردم ستم‌دیده و آواره و مبارز فلسطین تا رسیدن به حقوق حقه خویش به هر نحو ممکن حمایت و دفاع کند». همچنین بر اساس این قانون، جمهوری اسلامی ایران، بیت‌المقدس را به عنوان موطن و مرکز دولت اسلامی در تبعید فلسطین به رسمیت می‌شناسد و از تمام کشورهای اسلامی تقاضا دارد این شهر را به عنوان مرکز دولت اسلامی در تبعید فلسطین به رسمیت بشناسد. از دیگر اقدامات جمهوری اسلامی در حمایت از موضوع فلسطین، اعلام آخرین روز جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس از سوی امام خمینی بود (امیدوار و یکتا، ۱۳۷۹: ۳۳۳).

در پی جنگ تحمیلی و تصمیم نابهنگام صدام

بیش از پیش نشان داده است. رویارویی با گروه‌های افراط‌گرا که از سویی ثبات کشورهای عربی و از سوی دیگر امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض تهدید قرار داده بودند، هراس از خروج آمریکا از منطقه و در همین حال ترس از تحرکات ایران از بسترها و عواملی بوده که برآورد استراتژیک دو طرف را در جهت هم‌گرایی بیشتر به هم نزدیک کرده است. در این میان روندهایی چون مقابله کشورهای عربی خلیج فارس با حزب‌الله و تلاش برای انزوای سیاسی آن در لبنان، تمایل عربستان و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس برای شکست بشار اسد و ایران در سوریه، شکست حوثی‌ها در یمن و تحدید حوزه نفوذ ایران در عراق، از علایق مشترک رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی بوده که پایه‌های هم‌گرایی استراتژیک این دو را تحکیم بخشیده است.

۳. راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی

در ۳۰ بهمن ۱۳۵۷ ایران در اولین موضع‌گیری رسمی خود در قبال رژیم صهیونیستی، طی اطلاعیه‌ای خواستار قطع کامل روابط ایران و این رژیم شد و دستور اخراج ۳۲ کارمند اسرائیلی شعبه هواپیمایی ال‌عال از ایران را صادر کرد. پس از آن یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین، برای دیدار با رهبر انقلاب اسلامی ایران به تهران آمد. سپس پرچم فلسطین به دست عرفات بر بام ساختمان نمایندگی اسرائیل افراشته شد، خیابانی که نمایندگی اسرائیل در آن قرار داشت از «کاخ» به فلسطین تغییر نام یافت و هانی‌الحسن، یکی از مشاوران نزدیک عرفات، به عنوان نخستین نماینده سازمان آزادی‌بخش فلسطین در ایران تعیین شد. (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۹۱).

24. Filastin al-thawra

سازش، مخالف بودند، شکل گرفت. جمهوری اسلامی توانسته بود نه تنها در جوار مرزهای اشغالی یعنی در لبنان، گروه قدرتمندی را که در جنگ ۲۰۰۶، اسرائیلی‌ها را غافلگیر کرد، در قالب یکی از حامیان منطقه‌ای خود ایجاد کند، بلکه با حمایت همه‌جانبه از گروه حماس که پس از شکل‌گیری در سال ۱۹۸۷، به عنوان رقیب تشکیلات خودگردان ظهور کرده بود، بدیل قابل توجهی برای گزینه شناسایی اسرائیل و مذاکره با این رژیم را به پیش برد. بر این اساس می‌توان جنگ‌های نامنظم و شکست دیوار امنیتی را به عنوان شاخصه راهبرد نخست جمهوری اسلامی و بازدارندگی متقابل و حفظ محور مقاومت را مشخصه راهبرد دوم جمهوری اسلامی در قبال رژیم صهیونیستی، دانست.

۳-۱. جنگ‌های نامنظم و شکستن دیوار امنیتی

شکست‌ناپذیری در جنگ با همسایگان، مفهومی بود که رژیم صهیونیستی از جنگ ۱۹۶۷ به بعد، به آن باور داشت. هرچند جنگ ۱۹۷۳ تا حدودی این باور را دستخوش تزلزل کرد، اما نتیجه نهایی این جنگ و پیروزی دوباره صهیونیست‌ها بر عرب‌ها، نگرانی چندانی از ناامنی‌های منطقه‌ای برای این رژیم باقی نگذاشته بود. از این رو ظهور جنگ‌های خلاف این الگو مخصوصاً زمانی که طرف مقابل به جای دولت‌ها، گروه‌های مخالف شامل حزب‌الله لبنان، حماس و سایر گروه‌های نوار غزه بود که به پیروزی‌هایی دست می‌یافت و دیوار امنیتی این رژیم را به انحای مختلف در معرض تهدید قرار می‌داد، آسیب‌پذیری این رژیم را یک بار دیگر به صدر نگرانی‌های امنیتی آن بازگرداند.

جمهوری اسلامی ایران با آگاهی از این آسیب‌پذیری که اوج آن در جنگ ۲۰۰۶ حزب‌الله

حسین برای حمله به ایران که جمهوری اسلامی ایران را بر حفظ تمامیت ارضی کشور، متمرکز کرد، مواجهه با رژیم صهیونیستی، به مواضع شفاهی و برخی اقدامات عملی بین‌المللی محدود شد. به عنوان نمونه در پاییز ۱۹۸۴ یعنی سال ۱۳۶۳ که جنگ با عراق در مراحل حساس خود قرار داشت، ایران از مجمع عمومی درخواست کرد که رژیم صهیونیستی را از عضویت سازمان ملل اخراج کند. در جریان بحث‌هایی که در این باره صورت گرفت، نمایندگان ایران، اسرائیل را به جنایت در دیر یاسین و صبرا و شتیلا محکوم کردند و آن را نمود ژینوساید و نسل‌کشی که متناقض با ارزش‌های سازمان ملل است، دانستند (Abadi, 2003: 102). علاوه بر این مواضع مختلفی از سوی حضرت امام خمینی (ره) و سایر مقامات در مورد تلاش اسرائیل برای فروش سلاح به ایران در جریان ایران - کنترا اتخاذ شد.

به رغم مواضع تقابل‌گرایانه جمهوری اسلامی ایران علیه اسرائیل و اقداماتی که برای نفی این رژیم در مجامع بین‌المللی صورت می‌گرفت، به نظر می‌رسد تا پایان جنگ تحمیلی، راهبرد منسجمی علیه رژیم صهیونیستی در دستور کار قرار نداشت. دل‌مشغولی ایران برای حفظ صیانت کشور در مقابل عراق و مشکلات و مسائل دوره جنگ، مهم‌ترین دلیل این مسئله به شمار می‌آید. با این حال تأسیس حزب‌الله در اوایل دهه ۱۹۸۰ با هدف جمع‌گروه‌های شیعی در لبنان، به تدریج پایه‌های راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم اسرائیل را بنیان گذاشت.

راهبرد جمهوری اسلامی ایران در میانه دهه ۲۰۰۰ به صورت منسجمی در حمایت از گروه‌های موسوم به مقاومت شامل حزب‌الله لبنان، گروه مقاومت اسلامی (حماس) و سایر گروه‌های فعال در نوار غزه که اسرائیل را به رسمیت نشناخته و با گزینه

به‌ویژه در مناطق کوهستانی به صورت قابل توجهی تضعیف شده بود (Kober, 2008: 3-17). پس از جنگ ۳۳ روزه، مرزهای سرزمین‌های اشغالی برای رژیم صهیونیستی به رغم آرامش در مرزهای شمالی - همجوار با حزب‌الله - همچنان شکننده بود؛ زیرا حماس و سایر گروه‌های فلسطینی نوار غزه، از حمایت‌های مالی و تسلیحاتی ایران برخوردار بودند (Jeremy Sharon, The guardian: 2010.07.12).

جنگ‌های حماس با رژیم صهیونیستی تداوم راهبرد جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر جنگ‌های نامنظم و ضربه به دیوار امنیتی این رژیم بود. هرچند تلفات انسانی، به‌ویژه غیرنظامیان و نیز خسارات زیرساخت‌های نوار غزه، در این جنگ‌ها قابل تأمل است - به‌ویژه آنکه رژیم صهیونیستی همواره از نیروی نظامی و تسلیحاتی نامتناسب استفاده می‌کرد - با این حال راکت‌های پرتاب‌شده و تعداد هرچند انگشت‌شمار کشته و زخمی اسرائیلی، تصویر ضربه‌ناپذیری اسرائیل را از اعتبار ساقط کرد. ضمن اینکه اقدامات بی‌تناسب این رژیم در مقابل نوار غزه و ساکنان آن، در دسرهای بین‌المللی را نیز برای این رژیم به ارمغان آورد و موجب حساسیت افکار عمومی و نیز نهادهای بین‌المللی علیه آن شد.

در این میان مقابله مسلحانه و مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی به‌رغم هزینه‌های چشمگیر آن که در جنگ‌های نامنظم حماس و سایر گروه‌های نوار غزه، نمود می‌یافت و از حمایت مادی و معنوی یکی از کشورهای اسلامی منطقه یعنی ایران، برخوردار بود، گزینه بدیلی به جای مذاکره و سازش با این رژیم را احیا می‌کرد. علاوه بر این، حرمت‌گذاری و استفاده از نمادهایی که فرهنگ ایثار و شهادت را ترویج می‌کرد و به این نوع مبارزه ارج می‌نهاد - همان‌گونه که در جنگ تحمیلی، جمهوری اسلامی

خود را نشان داد، توانست بدون آنکه مستقیماً در جنگ شرکت کند و آسیب‌ها و هزینه‌های آن را متحمل شود، دیوار امنیتی این رژیم را تهدید کرده و خود را به عنوان یک مهره تأثیرگذار بر امنیت این رژیم معرفی کند. بر این اساس جنگ سال ۲۰۰۶ حزب‌الله و رژیم صهیونیستی را می‌توان آشکارترین نمود این راهبرد به شمار آورد.

پرتاب موشک‌های کاتیوشا و خمپاره به مواضع ارتش اسرائیل و نیز روستاهای مرزی این رژیم، به اسارت درآوردن دو سرباز اسرائیلی و نیز کشتن چندین نفر از آنان، با توجه به جایگاه بالایی که امنیت روانی برای ساکنان این رژیم دارد، مسائلی نبود که این رژیم بتواند به‌آسانی نادیده‌شان بگیرد. به‌ویژه آنکه اسرائیل خود را در جنگ ۲۰۰۶، رویارو با دولت لبنان نمی‌دید. با اینکه فرماندهان ارتش وقت پیشنهاد حمله به زیرساخت‌های لبنان در تلافی این مسئله را داده بودند، اما علاوه بر اینکه دولت غرب‌گرای لبنان، دستاورد آمریکا در چارچوب دموکراتیزاسیون خاورمیانه به شمار می‌رفت و حمله به آن، نفی این دستاوردها بود، با این اقدام، اسرائیل ثابت می‌کرد که ناتوانی در مقابله با حزب‌الله، این رژیم را ناگزیر به برخورد با جمعیت غیرنظامی و اقتصاد لبنان کرده است.

این در حالی بود که مقامات ارشد نظامی و سیاسی برای نخستین‌بار در درک شرایط موجود، ناتوان مانده بودند. آن‌ها از اینکه آیا در موقعیت جنگی به سر می‌برند یا باید آن را اقدامی تلافی‌جویانه بدانند، مردد مانده بودند. از این رو تصمیم‌های آن‌ها به صورت هدفمندانه، هوشمندانه و مؤثر اتخاذ نمی‌شد. علاوه بر این، پس از انتفاضه از سال ۱۹۸۷ به بعد، ارتش این رژیم در واقعیت به پلیس داخلی تبدیل شده بود. از این رو توانایی عملیاتی این رژیم

صهیونیستی برای فشرده‌تر شدن محاصره، انجام شد، اهمیت حزب‌الله در این راهبرد را دوچندان کرد. ضمن اینکه حزب‌الله ثابت کرده که به عنوان متحد استراتژیک جمهوری اسلامی، بیش از گروه‌های فلسطینی به خواسته‌ها و مطالبات ایران، متعهد است.

تلاش جمهوری اسلامی برای حفظ حکومت سوریه، به عنوان یکی از اعضای محور مقاومت، نمود دیگری از این راهبرد در سال‌های اخیر بود. هزینه گزافی که ایران برای حمایت از حکومت سوریه و مقابله با معارضان و مخالفان تقبل کرد، در منطق امنیتی ایران، به عنوان تعمیق بازدارندگی در قبال رژیم اسرائیل معنا می‌شود. حضور چشمگیر نیروهای نظامی ایرانی در جای‌جای خاک سوریه و در جوار مرزهای سرزمین‌های اشغالی و مناطق استراتژیک مهمی چون بلندی‌های جولان، نه تنها ایران را با ویژگی‌های این منطقه، آشنا کرد، بلکه بستری برای عملیات مشترک نظامی با متحدان خود به‌ویژه حزب‌الله که به معنای افزایش قابلیت‌های نظامی ایران است، مهیا کرد.

به رغم هزینه‌های انسانی و مالی، برای ایران دست‌یابی به این قابلیت‌ها و مهم‌تر از آن حضور در سوریه و ایجاد پایگاه‌های نظامی، بازدارندگی در قبال رژیم اسرائیل را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، یکی از دلایل اصلی جمهوری اسلامی برای حفظ بشار اسد، تداوم انسجام در محور مقاومت و ابقای اعضای اصلی آن به منزله افزایش بازدارندگی در مقابل اسرائیل بوده است. مسئله‌ای که این رژیم در صدد مقابله با آن از طریق حملات هوایی و هدف قرار دادن پایگاه‌های نظامی و انبارهای تسلیحاتی ایران و حزب‌الله در سوریه از یک‌سو و فشارهای بین‌المللی برای اخراج ایران از سوریه از سوی دیگر بوده است (Anshel, Pfeffer, The guardian: 2018.05.11).

از آن در میان رزمندگان خود استفاده می‌کرد - این شیوه مقابله را در میان فلسطینی‌ها باز تولید می‌کرد.

۲-۳. بازدارندگی متقابل و حفظ محور مقاومت

راهبرد دومی که ایران در مقابل رژیم صهیونیستی، دنبال کرده، افزایش و گسترش توانایی‌های تسلیحاتی خود با هدف دست‌یابی به بازدارندگی بیشتر در برابر این رژیم بوده است. با اینکه جمهوری اسلامی ایران، به دنبال جنگ با این رژیم نیست، اما همواره یکی از اهداف امنیتی آن، افزایش بازدارندگی از طریق ارتقای توان تسلیحاتی خود بوده است. تأکید جمهوری اسلامی ایران بر توان موشکی و تلاش برای گسترش آن و همچنین اصرار بر به رسمیت‌شناختن این قابلیت از سوی کشورهای دیگر، جلوه‌ای آشکار برای ارتقای بازدارندگی، به‌ویژه در قبال رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید. علاوه بر این، ایران همچنین به عنوان برگ برنده، تجهیز تسلیحاتی متحد منطقه‌ای خود، یعنی حزب‌الله را نیز همواره دنبال کرده است؛ به گونه‌ای که «پس از جنگ انبارهای تسلیحاتی حزب‌الله که مستقل از دولت لبنان در اختیار این گروه قرار داشته است، همواره از نگرانی‌های این رژیم به شمار می‌رود» (Jeremy Sharon, The guardian: 2010.07.12).

تجهیز حزب‌الله از آن رو برای جمهوری اسلامی حائز اهمیت است که در صورت اقدام نظامی صهیونیست‌ها علیه خاک ایران، جبهه دیگری در نزدیکی مرز سرزمین‌های اشغالی باز شده و هزینه جنگ برای این رژیم را افزایش می‌دهد. هرچند حماس و جهاد اسلامی نیز برای ایران همین کارکرد را داشته‌اند، اما دشواری انتقال سلاح به آن‌ها به‌ویژه با توجه به محاصره نوار غزه و سخت‌گیری‌هایی که در چند سال اخیر از سوی حکومت مصر و نیز رژیم

۴. بحث و نتیجه‌گیری

شکستن دیوار امنیتی و بازدارندگی و حفظ و تقویت محور مقاومت را به عنوان راهبردهای غالب خود در قبال این رژیم به کار برده است که تا کنون موفق عمل کرده است. این در حالی است که به‌تازگی در راهبرد رژیم اسرائیل علیه ایران، امید به فروپاشی داخلی به جای گزینه نظامی، وارد شده است که در کنفرانس هرتزلیای ۲۰۱۸ آشکارا مورد تأکید سیاست‌مداران و کارشناسان این رژیم قرار گرفته بود. در حالی که در سال‌های قبل سیاست رژیم صهیونیستی حول ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، به پیش می‌رفت، اما به نظر می‌رسد این امر در حال تغییر و به‌تدریج جایگزینی با تصویر «ایران ضعیف» است؛ ایران ضعیفی که به زعم صهیونیست‌ها می‌خواهد خود را بیش از آنچه هست در منطقه و نیز فضای بین‌المللی معرفی کند.

در این گردهمایی، یکی از مقامات عالی‌رتبه این رژیم در این رابطه ادعا کرد: «سیاست‌های خودبزرگ‌پندارانه ایران، بزرگ‌ترین ضربه را به جمهوری اسلامی خواهد زد» (Timesofisrael, 2018.05.09). توییت‌های مختلف نخست‌وزیر این رژیم و پیام‌هایی که برای ایرانیان از این طریق در مورد مشکلات داخلی همچون کم‌آبی و یا مسائل اقتصادی ارسال می‌کند، نشان می‌دهد مسائل داخلی ایران، به‌ویژه برخی تناقض‌های مردم با تصمیمات و سیاست‌های حاکمیت، اعتراضات و مطالبات اقتصادی، به عنوان مؤلفه‌ای جدی وارد گفتمان این رژیم علیه جمهوری اسلامی ایران شده است. رژیم صهیونیستی بر این تصور است که با انتقال هرچه بیشتر پالس‌های مثبت و نیز به اصطلاح همدلانه، مسئله اسرائیل را تبدیل به یکی دیگر از تناقضات مردم و نظام کند.

بنابراین مسائل داخلی ایران شامل اختلافات

تضاد هویتی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، بستری برای اقدامات خصمانه این رژیم در قبال ایران و نیز تلاش جمهوری اسلامی برای مقابله با این اقدامات را فراهم آورده است. این رژیم از آغاز پیروزی انقلاب تاکنون تلاش بسیاری را به کار بسته تا برتری استراتژیک خود را بر جمهوری اسلامی ایران به دست آورد. ایران که رژیم اسرائیل را مهم‌ترین دشمن هویتی، ایدئولوژیک و سیاسی خود می‌داند، شیوه‌های موفق‌تری را برای مقابله با این تهدید برگزیده است.

با توجه به آنکه در چند سال اخیر خصومت و دشمنی این رژیم ابعاد گسترده‌تری یافته است، مقاله حاضر در پی آن بود تا با مرور دوره‌های تاریخی مختلف، مهم‌ترین راهبردهای این رژیم در قبال جمهوری اسلامی ایران را تبیین کند. ضمن آنکه راهبردهای ایران در مقابل این رژیم نیز مورد کنکاش و بررسی قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که این رژیم در مقابل ایران در قالب چهار راهبرد اتحاد پیرامونی، بازدارندگی، امنیتی‌سازی و پیشینه‌سازی قدرت، اقدامات خود را به پیش برده است. روند این چهار راهبرد طیفی از تلاش برای همکاری‌جویی در راهبرد اتحاد پیرامونی، ستیزه‌جویی منفعلانه در بازدارندگی و ستیزه‌جویی فعالانه در امنیتی‌سازی و پیشینه‌سازی قدرت را شامل شده است.

مهم‌ترین توانمندی این رژیم در پیشبرد راهبردهای فوق، قدرت نظامی در راهبرد اول و دوم، قدرت گفتمانی - سیاسی در راهبرد سوم و قدرت نظامی - سیاسی در راهبرد چهارم بوده است. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران جنگ‌های نامنظم و

داخلی، نبود اجماع و تعمیق شکاف‌های سیاسی، برخی رویدادهای اجتماعی همچون اعتراضات خیابانی، بازتاب تناقض‌های مردم با برخی سیاست‌گذاری‌ها، مطالبات اقتصادی و ناامیدی مردم از آینده که به نادرستی از طریق لفاظی‌های جناحی به جامعه تزریق می‌شود، بسترهای لازم برای سوءاستفاده این رژیم را در این تغییر گفتمانی، فراهم کرده است. تلاش برای وضعیت داخلی باثبات، توانمندسازی اقتصادی و پرهیز از شکاف‌های جناحی که منافع ملی را هدف قرار می‌دهند، باید دانه‌های زنجیر راهبرد جدید ایران در قبال رژیم اسرائیل باشند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت‌نویسندگان

این مقاله یک نویسنده داشته و تمامی بخش‌های مقاله حاصل کار ایشان است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسنده این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع فارسی

«مصاحبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با تلویزیون سی‌بی‌اس آمریکا». ۱۳۶۰. قابل دسترس در: <https://cutt.ly/VyIh0e6>
ولایتی، علی اکبر. ۱۳۸۰. ایران و تحولات فلسطین (-۱۳۸۵)
۱۳۵۷. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

احمدی، وحیده. ۱۳۹۶. «اسرائیل و کشورهای پیرامونی؛ نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۰۲. شماره ۲. صص. ۱۳۶-۱۱۳.

امیدوار، احمد، یکتا، حسین. ۱۳۷۹. «امام خمینی و انقلاب اسلامی». روایتی جهانی. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی و سیناچا.

تقی‌پور، محمدتقی. ۱۳۲۹۰. تعامل سری. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

خلیلی، رضا. ۱۳۸۶. «دکترین، سیاست و استراتژی: نسبت‌سنجی نظری و مفهومی». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۰. شماره ۳۷. صص. ۴۵۰-۴۲۳.

سلیمی، حسین. ۱۳۸۴. «دولت مجازی یا واقع‌گرایی تهاجمی؛ بررسی مقایسه‌ای نظریه ریچارد روزکرنس و جان میرشایمر». پژوهش حقوق و سیاست. شماره ۱۷.

خمینی، روح‌الله. ۱۳۷۸. صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

قانون «دولت-ملت یهودی»؛ مفاد، اهداف و نتایج، وحیده احمدی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، <http://www.riss.ir/2018/07/%D9%82%D8%A7%D9%8-6%D9%88%D9%86-%D8%AF%D9%-88%D9%84%D8%AA-%DB%8C%D9%87%D9%88%D8%AF%DB%8C%D8%9B-%D9%85%D9%81%D8%A7%D8%AF%D8%8C-%D8%A7%D9%87%D8%AF%D8%A7%D9%81-%D9%88-%D9%86/>

کالینز، ال. ۱۳۹۸. مطالعات امنیت معاصر. ترجمه علیرضا ثمودی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کریمی فرد، حسین و مجید روحی دهینه. ۱۳۹۳. «بیشینه‌سازی قدرت روسیه در قبال بحران اوکراین». فصلنامه سیاست خارجی. سال ۸۲. شماره ۳. صص. ۵۵۱-۵۷۷.

گل محمدی، احمد. ۱۳۸۶. «روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست وزیری (۱۳۲۷-۱۳۵۷)». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی. سال ۴. شماره ۶. صص. ۷۹-۱۰۹.

References

- Abadi, Jacob. 2004. *Israel's Quest for Recognition and Acceptance in Asia: Garrison State Diplomacy*. London: Routledge [DOI:10.4324/9780203504147]
- Ahmadi, Vahideh. 2017. "Israel and its Peripheral Countries: Security Influence with Economic Coverage (Persian)." *Strategic Studies Quarterly*. vol. 20. no. 2. pp. 113-136. http://quarterly.risstudies.org/article_51325.html
- AIPAC Welcomes Senate Call to Sanction Iran's Central Bank, <http://thinkprogress.org/wp-content/uploads/2011/08/AIPACpressrelease.pdf>
- AJC Welcomes French Push for Stronger EU Sanctions on Iran, <http://www.ajc.org/site/apps/nlnet/content2.aspx?c=7oJILSPwFfJSG&b=8479733&ct=12487299>
- Yinon, Oded. A Strategy for Israel in the Nineteen Eighties, <https://www.scribd.com/doc/155650153/A-Strategy-for-Israel-in-the-Nineteen-Eighties-Oded-Yinon>
- "Ayatollah Hashemi Rafsanjani's Interview with CBS TV." 1981. Available at: <https://cutt.ly/Vylh0e6>
- Bachner, Michael. 2018. "Bennett Warns 'Syria will be Iran's Vietnam.'" *The Times of Israel* [Internet]. 9 May. Available at: <https://www.timesofisrael.com/bennett-warns-syria-will-be-irans-vietnam/>
- Glick, B. Caroline. 2016. "Our World: The First Iran War". *Jerusalem Post* [Internet]. 11 July. Available at: <https://www.jpost.com/Opinion/Our-World-The-first-Iran-war-460106>
- Collins, Alan. 2019. *Contemporary security studies*. Translated by Alireza Samodi, (Persian). Tehran: Pajoheshkadeh Motaleaat Rahbordi. <https://www.gisoom.com/book/1958600/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D9%85%D8%B7%D8-%A7%D9%84%D8%B9%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA%DB%8C-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%B5%D8%B1/>
- Dassa Kaye, Dalia, Alireza Nader and Parisa Roshan. 2011. *A Brief History of Israeli-Iranian Cooperation and Confrontation*. In: *Israel and Iran: A Dangerous Rivalry*. California: RAND Corporation [DOI:10.7249/MG1143]
- Eichner, Itamar. 2018. "INSS Report Details Threat of Two-Pronged 'First Northern War'". *Ynetnews*. 1 May. Available at: <https://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-5064799,00.html>
- Gearan A. Iran must be given nuclear ultimatum, Netanyahu tells U.N." In: https://www.washingtonpost.com/world/national-security/2012/09/27/e7184228-08c7-11e2-858a-5311df86ab04_story.html
- Gilead, Amos. 2017. "ISIS Decline Increases Iran Threat". *Jewish link* [Internet]. 22 June. Available at: <https://www.jewishlinknj.com/world-us/19444-amos-gilead-isis-decline-increases-iran-threat>
- Golmohammadi, Ahmad. 2002. "Iran and Israel Relationship Narrated Documents Prime Minister (1357-1327) (Persian)." *Public Law*. vol. 4. no. 6. pp. 79-109. http://qjpl.atu.ac.ir/article_3098.html
- Husain, Irfan. 2018. "Israel's Man in the White House." *Asia News Network* [Internet]. 14 May. Available at: <http://annx.asianews.network/content/israel%E2%80%99s-man-white-house-72838>
- Aljazeera. 2017. "Israel Calls for Saudi Arabia Ties and State Visits". *Aljazeera* [Internet]. 22 June. Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2017/06/israel-calls-saudi-arabia-ties-state-visits-170622082111519.html>
- Karimi Fard, Hossein and Majid Rouhi Dehineh. 2014. "Maximization of Russia's Power with Respect to the Ukraine Crisis (Persian)." *Journal of Foreign Policy*. vol. 28. no. 3. pp. 551-577. <https://www.magiran.com/paper/1501039?lang=en>
- Karsh, Efraim. 1989. *The Iran-Iraq War: Impact and Implications*. London: Palgrave Macmillan [DOI:10.1007/978-1-349-20050-4]
- Khalili, Reza. 2007. "Doctrin, Policy and Strategy: Theoretical and Conceptual Comparability (Persian)." *Strategic Studies Quarterly*. vol. 10. no. 37. pp. 423-450. http://quarterly.risstudies.org/article_1075.html
- Khomeini, Ayatollah Ruhollah. 1999. *Sahife-ye - Noor [The lighting page]*. vol 16. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (International Affairs Department).
- Kober, Avi. 2008. "The Israel defense forces in the Second Lebanon War: Why the Poor Performance?" *Journal of Strategic Studies*. vol. 31. no. 1. pp. 3-40. [DOI:10.1080/01402390701785211]



- Mohammad, Azfar. 2017. "Israel's changing periphery" [Internet]. 15 Jun. Available at: <https://foreignpolicynews.org/2017/06/15/israels-changing-periphery/>. [15/06/2017]
- Omidvar, Ahmad, Yekta, Ahmad. 2000. "Imam Khomeini and the Islamic Revolution" Tehran: Publications of NAJA Political Ideological Organization.
- Online Hamshahri. 2014. "McFarlane's ambiguities remain (Persian)" [Internet]. 05 Nov 2014. Available at: hamshahronline.ir/x4mmX
- Pfeffer, Anshel. 2018. Israel doesn't want war with Iran – it prefers crisis in Tehran [Internet]. Available at: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2018/may/11/israel-war-iran-crisis-tehran-airstrikes-syria-netanyahu>
- Ramani, Samuel. 2017. "Israel Is Strengthening Its Ties with the Gulf Monarchies." Huffpost [Internet]. 13 September. Available at: https://www.huffingtonpost.com/samuel-ramani/why-israel-isstrengthening_b_11946660.html
- Salimi, Hossein. 2005. "Virtual Government or Aggressive Realism; A Comparative Study of the Theory of Richard Rosecrance and John Mearsheimer (Persian)." Law and Policy Research. no. 17. pp. 19-42. <https://www.magiran.com/paper/537676>
- Shahak, Israel and Michel Chossudovsky. 2013. "Greater Israel": The Zionist Plan for the Middle East." Global Research [Internet]. 3 March. Available at: <https://www.globalresearch.ca/greater-israel-the-zionist-plan-for-the-middle-east/5324815>
- Sharon, Jeremy. 2010. "Lessons of the 2006 Lebanon War." The Guardian [Internet]. 12 July. Available at: <http://www.washingtonpost.com/wpdyn/content/article/2005/12/14/AR2005121402403.html?noredirect=on>
- "SIPRI Yearbook 2018 Armaments, Disarmament and International Security." 2018. Available at: https://www.sipri.org/sites/default/files/2018-06/yb_18_summary_en_0.pdf
- Spetalnick, Matt and Jeffrey Heller. 2012. "Obama Says He's not Bluffing on Iran Military Option". Reuters. [Internet]. 2 March. Available at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-israel-iran/obama-says-hes-not-bluffing-on-iran-military-option-idUSTRE82108520120302>
- Teller, Neville. 2014. *The Search for Détente: Israel and Palestine 2012-2014*. London: Matador.
- "The story of McFarlane, narrated by Hashemi Rafsanjani (Persian)" [Internet]. 2 Jan 2020. Available at: <http://gozarestan.ir/show.php?id=760>
- Ulrichsen, Kristian Coates. 2016. "Israel and the Arab Gulf States: Drivers and Directions of Change." Baker Institute [Internet]. September. Available at: https://www.bakerinstitute.org/media/files/research_document/13eaaa71/CME-pub-GCCIIsrael-090716.pdf
- Velayati, Ali Akbar. 2001. Iran and Developments of Palestine (1939 - 1979 A.D) (Persian). Tehran: Vezerat Omour Kharejeh. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/638681>
- Vick, Karl. 2005. Iran's President Calls Holocaust 'Myth' in Latest Assault on Jews, <http://www.washingtonpost.com/wpdyn/content/article/2005/12/14/AR2005121402403.html?noredirect=on>